

نگاهی به شهر دلبرجین؛

ویرانه‌ای از یک شکوه باستان



ساحه باستانی «دلبرجین تپه» در ۲۰ کیلومتری شمال شرق ولسوالی آقچه ولایت جوزجان و ۴۰ کیلومتری شمال غرب ولسوالی بلخ ولایت بلخ موقعیت دارد. این شهر، بازمانده یکی از شهرهای کهن آریانا در دوره یونانی باختری (بین سال‌های ۲۵۰ - ۱۲۸ قبل از میلاد) است که تا سده‌های پنج و شش میلادی در جریان حکمروایی یفتلیان و ساسانیان نیز محل سکونت و باشکوه بوده است. فرهنگیان در بلخ به این باورند که در تپه دلبرجین، کاخ شاهی در مرکز شهر و به‌گونه چهارضلع قرار داشته که بازمانده‌های آن در حدود ۱۵ هکتار زمین را در بر می‌گرفت. اطراف شهر و کاخ را دژهای دفاعی با استحکامات ویژه دوره کوشانی فرا گرفته بود. این دیوار در فاصله‌هایی معین برج‌ها و موازی با خود خندق‌هایی نیز داشته است. براساس گزارش‌ها، در سال ۱۳۴۹ خورشیدی یک‌سری کاوش‌ها در این منطقه...

۵

پسامدهای خروج یوناما از افغانستان

۶



دست‌برد طالبان به کمک‌های بشری؛

سیگار: کودکان گرسنه و طالبان فربه شدند

جبهه آزادی:

لابی‌گران داخلی، منطقه‌ای و جهانی برای به رسمیت شناختن و سفیدنامی طالبان تلاش می‌کنند

۸صبح، کابل: جبهه آزادی افغانستان در پیام عیدایش می‌گوید که لابی‌گران داخلی، منطقه‌ای و جهانی برای به رسمیت شناختن و سفیدنامی طالبان، تلاش می‌کنند، اما به‌زودی به ماهیت واقعی این گروه پی خواهند برد. جبهه آزادی افغانستان روز جمعه، ۱ ثور، با نشر خبرنامه‌ای به مناسبت عید فطر گفته است که راه‌حل سیاسی افغانستان خلع سلاح تمام طرف‌های درگیر زیر نظارت معنادار سازمان ملل متحد، سپردن قدرت به یک اداره عبوری بی‌طرف و تقسیم قدرت به‌شکل عمودی و افقی است. در خبرنامه آمده است که جبهه آزادی در کنار ادامه مبارزه مسلحانه، از هر نوع مبارزه سیاسی، مدنی و به‌ویژه مبارزات بی‌بدیل زنان و دختران افغانستان به‌صورت قاطعانه و بدون قیدوشرط حمایت می‌کند. این جبهه طالبان را متهم کرده است که تمام راه‌های مسالمت‌آمیز رسیدن به یک توافق

جمعی را بسته و از زمان تسلط بر افغانستان تمامی فرصت‌ها و زمینه‌های هم‌گرایی و حل مسالمت‌آمیز مسایل ملی را از کف تمامی نیروهای سیاسی و اجتماعی ربوده‌اند. جبهه آزادی یک بار دیگر بر ضرورت جدی و فوری هم‌گرایی تمامی نیروهای ضد طالبان در تمامی سطوح تاکید کرده و مبارزه مسلحانه را موثرترین راهکار علیه طالبان دانسته است. به‌گفته این جبهه، طالبان نه تنها به مطالبات برحق مردم افغانستان تمکین نکرده، بل با گذشت هر روز بر رنج مردم افزوده و به گفته این جبهه ماهیت تروریستی خود را آشکارتر کرده‌اند. در بخش دیگر این خبرنامه آمده است که کشته شدن اکمل امیر و همراهانش عزم مبارزه آنان در برابر طالبان را بیشتر تقویت کرده است. گفتنی است که نزدیک به دو هفته قبل اکمل امیر، بصیر اندرابی و چهار تن از همراهان‌شان در ولسوالی سالنگ ولایت پروان توسط طالبان کشته شدند.



صفحه ۵

مرگ یک رویا؛ حال و روز دانشجویی که به آینده ناامید شده است



صفحه ۷

تروریستان دیروز، دوستان امروز

مذاکرات صلح خلیل‌زاد و رویکرد کشورهای جهان نسبت به طالبان، به جای آن‌که به بهبود اوضاع افغانستان کمک کند، منتج به قباح‌زدایی و...



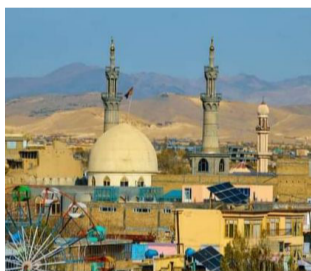
همسر مرتضای بهبودی: برای سلامتی و وضعیت مرتضای بسیار نگرانم

۸صبح، کابل: همسر مرتضای بهبودی در روز اول عید سعید فطر گفته است که امروز می‌توانست شاد باشد، اما متأسفانه همسرش هنوز در بند طالبان به سر می‌برد و او برای سلامتی و وضعیت مرتضی بسیار نگران است. الکساندرا مستواجا، همسر مرتضای بهبودی، روز جمعه، ۱ ثور، با نشر توییتی نوشته است که برای دیدن دوباره شوهرش لحظه‌شماری می‌کند. وی افزوده است که فردا (شنبه، ۲ ثور) بیست‌ونهمین سالروز مرتضای است، اما او این روز را تنها و دور از عزیزانش سپری خواهد کرد.



گفتنی است که مرتضای بهبودی، خبرنگار فرانسوی افغانستانی‌الاصل، به تاریخ ۱۵ جدی سال گذشته از فرانسه به هدف کار خبرنگاری و تهیه گزارش به افغانستان سفر کرد و دو روز بعد از سوی استخبارات طالبان در کابل بازداشت شد.

طالبان در غزنی مانع برگزاری نماز عید اهل تشیع شدند



۸صبح، غزنی: منابع محلی در غزنی می‌گویند که طالبان در این ولایت اجازه برگزاری نماز عید سعید فطر را به نمازگزاران اهل تشیع ندادند. به گفته منابع محلی، طالبان روز شنبه، ۲ ثور، درب تمام مسجدهای اهل تشیع را در غزنی به‌روی نمازگزاران بسته‌اند. یک منبع معتبر محلی به روزنامه ۸صبح می‌گوید که طالبان یکی از عالمان دین اهل تشیع در این ولایت را به دلیل پافشاری در برگزاری نماز عید به‌شدت مورد لتوکوب قرار داده‌اند. گفته می‌شود که در پی پافشاری نمازگزاران، سرانجام پس از چهار ساعت تاخیر، شماری از شهروندان اهل تشیع در غزنی نماز عید را ادا کرده‌اند. شمار نمازگزاران از ترس طالبان اندک بوده است. جنگ‌جویان طالب روز گذشته در دایکندی نیز با توسل به زور مانع گرفتن روزه از سوی باشندگان این ولایت شدند. گفتنی است که براساس اعلامیه مراجع تقلید مذهب جعفری، خلاف اعلام طالبان، روز شنبه به‌عنوان روز اول عید سعید فطر اعلام شده است.



وضعیت کتاب‌خوانی در افغانستان؛ افول قبل از طلوع

روز گذشته طبق اعلان یونسکو، روز جهانی کتاب بود تا به این بهانه اهمیت کتاب‌خوانی و کتاب‌نویسی مورد توجه قرار بگیرد. سطح کتاب‌خوانی در افغانستان هیچ‌گاه خوب نبوده است؛ زیرا مصیبت بی‌سوادی و محرومیت از امکانات تعلیم و تحصیل، هیچ‌گاه دست از گریبان اکثر مردم این کشور بر نداشته است. حکومت‌ها، جز در مواردی بسیار کوتاه، عزمی قاطع برای همه‌گانی‌سازی سواد و تعلیم نداشته و تا اکنون که نزدیک به یک ربع از قرن ۲۱ را پشت سر می‌گذاریم، در این کشور نه وضعیت کتاب خوب است و نه وضعیت کتاب‌خوان.

در دوران جمهوریت وضع کتاب‌اندکی بهتر بود، اما هنوز ستاره بخت کتاب در این کشور به درستی طلوع نکرده بود که دوره افول آن فرا رسید. با حاکمیت طالبان و با فضای اختناق و سرکوبی که بر اهل دانش و اندیشه تحمیل شد، اکثر آنان را وادار به کوچ از کشور کرد و کسانی که باقی مانده‌اند، نه تنها امکان طرح آزادانه افکارشان را ندارند، بلکه هر لحظه خودشان را با خطر دستگیری، محاکمه و زندان روبه‌رو می‌بینند. افزون بر این، سانسور کتاب که از ویژه‌گی‌های بارز نظام‌های سرکوب‌گر و ضد حقوق بشر است، دوباره در افغانستان روی کار شده است، هم برای ناشران و چاپ‌کننده‌گان و هم برای کتاب‌فروشان و دست‌اندرکاران این صنعت یک فاجعه است. در اثر این وضعیت، نه رونقی برای بازار راکد و رو به سقوط کتاب مانده است و نه به صنعت نویسنده‌گی که تازه در این خط در حال جوانه زدن بود.

کتاب‌خوانی و کتاب‌نویسی در جایی رونق می‌گیرد که آزادی اندیشه وجود داشته باشد، نه خطر کشیده شدن به محاکم تفتیش عقاید. همچنان، هنگامی مردم به کتاب روی می‌آورند که این کار ربطی مستقیم به بهبود زنده‌گی‌شان پیدا کند. در جایی که مردم از راه تفنگ نان می‌خورند نه از راه قلم، چگونه کسی به کتاب اهمیت می‌دهد؟ در جایی که جایگاه افراد براساس میزان توانایی‌شان در کشتن و بستن تعیین شود و تفنگ‌داران صحنه‌گردان اوضاع سیاسی و اجتماعی باشند، قلم جایش را به سلاح و مدرسه جایش را به آموزشگاه جنگ‌جویان می‌دهد. در چنان فضایی نه برای مکتب و دانشگاه اهمیتی می‌ماند، نه برای روزنامه و مجله، و نه برای کتاب‌خوان و کتاب‌نویس. از سویی دیگر، البته رابطه‌ای دو طرفه میان این دو پدیده وجود دارد، یعنی به هر پیمانه کتاب‌خوانی و کتاب‌نویسی در جامعه‌ای رونق بگیرد، به همان پیمانه از نفوذ مافیا، تفنگ‌سالار، دزد، راهگیر و جنایتکار کاسته می‌شود، و برعکس، هرچه کتاب‌خوانی و کتاب‌نویسی کاهش یابد به همان پیمانه تبه‌کار، مجرم جنگی، طالب و داعشی افزایش می‌یابد. در کشوری که گروهی جنگ‌سالار و خشونت‌گرا بر سرنوشته مردم سیطره یافته‌اند، کتاب‌خوانان عزادارند؛ زیرا بعد از سال‌ها کتاب خواندن و دانش اندوختن، خود را در چنگ یک مشت تفنگدار بی‌سواد اسیر می‌یابند که نه حرمتی برای‌شان قایل‌اند و نه صلاحیتی. اما هر تحول سازنده و پایدار در این کشور از راه کتاب می‌گذرد و از این‌رو، باید همه نیروهای سیاسی بر محور بی‌سوادی، حمایت از اصحاب قلم و پیشتیبانی از آزادی اندیشه اجماع کنند. هنگامی افغانستان از این مهلکه خواهد رهید که جایگاه کتاب برتر از جایگاه سلاح باشد و این آرزو هنگامی تحقق می‌پذیرد که روشنفکران کشور، از هر قوم و هر گروه، ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی را وجهه همت خود بگردانند. ما به نهضت کتاب و قلم نیاز حیاتی داریم.

امدادگران در افغانستان مجبور به باج‌دهی به طالبان هستند



۸صبح، کابل: رسانه‌های امریکایی گزارش داده‌اند که امدادگران در سازمان‌های غیرانتفاعی در افغانستان که از پول امریکا تمویل می‌شوند، مجبور به باج‌دهی به طالبان می‌شوند.

سی‌بی‌اس‌نیز به نقل از کارمندان نهادهای مدرسان بین‌المللی روز جمعه، ۱ ثور، گزارش داده است که اگر به طالبان کمک فراهم نکنند، از کار منع می‌شوند.

یکی از کارمندان یک نهاد مدرسان که به دلایل امنیتی نامش فاش نشده، گفته است: «ما به خانواده‌های فرماندهان پولیس طالبان، والیان و سایر افرادی که از ما می‌خواهند به‌طور خاص به آنان خدمت کنیم، خدمت می‌کنیم. زمانی یکی از والیان طالبان به یکی از آژانس‌های کمک‌رسانی که با آن قرارداد فرعی داشتیم، گفت که ۱۵ درصد کمک‌ها باید به محافظان او و دیگر پرسنل طالبان برسد و اکنون این یک امر عادی است که ابتدا به طالبان و سپس به غیرنظامیان عادی، خدمت شود.»

حمید خان، از دیگر امدادگران در یکی از سازمان‌های مدرسان که قرارداد فرعی برنامه جهانی غذا را به دست آورده، گفته است که مداخله طالبان به‌طور فزاینده‌ای کار این سازمان را دشوار کرده است.

این کارگر مدرسان گفته است: «افرادی که بیشتر به این کمک‌ها نیاز دارند زنان باردار، یتیمان، بیوه‌ها و سایر افراد نیازمند کمک هستند، اما طالبان نیز فهرست افراد منتخب خود را تهیه می‌کنند. اگر ابتدا به آن‌ها خدمت نکنیم، از کار منع می‌شویم، و ده‌ها بهانه برای جلوگیری از کار کلی سازمان‌های غیردولتی ایجاد می‌شود و بقیه نیز کمک‌های مورد نیاز خود را دریافت نخواهند کرد.»

اطلاعات گزارش حاکی از آن است که طالبان به‌گونه مستقیم با سازمان‌های مربوط به ملل متحد در ارتباط نیستند و بر سازمان‌های فرعی که قرارداد رساندن کمک‌های بشردوستانه را دارند، فشار می‌آورند.

گفته می‌شود که طالبان از سازمان‌های مدرسان خواهان کمک به خانواده‌های بمب‌گذاران انتحاری و جنگ‌جویان زخمی شده که قادر به کار کردن نیستند، شده‌اند و این خواسته‌ها نهادها را با وضعیت شدیدی روبه‌رو کرده است.

این گزارش در حالی نشر شده که روز گذشته منابع محلی در بامیان از فروخته شدن مواد کمکی از سوی طالبان در بازار آزاد خبر دادند.

پیش از این نیز بارها از حیف‌ومیل و خویش‌خوری در توزیع کمک‌های بشردوستانه از سوی طالبان در ولایت‌های مختلف گزارش شده است.

هفته گذشته نیز بازرس ویژه امریکا در امور بازسازی افغانستان گفت که تضمین کرده نمی‌تواند که پول مایه‌دهنده‌گان امریکایی به دست طالبان نرسد.

سیگار:

مداخله طالبان به‌عنوان خطر کلیدی در تلاش‌های بشردوستانه ثابت شده است

براساس اطلاعات سیگار، مداخلات طالبان در روند ارایه کمک‌های بشردوستانه انواع مختلف داشته است.

به باور سیگار، درخواست طالبان برای کنترل فعالیت‌های غیردولتی، محدود کردن اشتغال زنان در سازمان ملل و سازمان‌های غیردولتی، تحت فشار قرار دادن سازمان‌های غیردولتی برای امضای یادداشت تفاهم با مقام‌های این گروه و تهدید کارمندان نهادهای غیردولتی توسط طالبان از نمونه‌های بارز مداخلات این گروه بوده است.

سیگار در حالی از اثبات مداخله در روند کمک‌های بشردوستانه از سوی طالبان خبر داده است که پیش از این، سی‌بی‌اس‌نیز پس از صحبت با امدادگران در افغانستان گزارش داده که طالبان از نهادهای مدرسان باج می‌گیرند.

طالبان هنوز در این مورد ابراز نظری نکرده‌اند.



۸صبح، کابل: در ادامه انتقادات از مداخله طالبان در روند تلاش‌های بشردوستانه در افغانستان، بازرس ویژه امریکا در امور بازسازی افغانستان (سیگار) از اثبات مداخلات این گروه خبر داده است.

سیگار روز شنبه، ۲ ثور، در گزارشی گفته که مداخله طالبان در امور بشردوستانه در افغانستان، توانایی سازمان‌های مدرسان را محدود کرده است.

طالبان در دایکندی به زور سر مردم عید کردند

۸صبح، دایکندی: منابع محلی در ولایت دایکندی می‌گویند که محتسبان و نیروهای طالبان با ایجاد ایست‌های بازرسی زیر نام «تدابیر ویژه امنیتی» در گذرگاه‌های عمومی شهر نیلی، مرکز این ولایت، به زور و تهدید سر باشندگان این ولایت عید کرده‌اند.

منابع روز جمعه، ۱ ثور، به روزنامه ۸صبح می‌گویند که نیروهای طالبان در ایست‌های بازرسی با شعار امارت یک امارت است، با رفتار تحقیرآمیز باشندگان شهر نیلی را مورد آزارواذیت قرار داده و به زور روزه را سرشان افطار می‌کردند.

منبع دیگر نیز با ارسال پیامی به روزنامه ۸صبح می‌گوید که یک تن از باشندگان شهر نیلی نسبت به رفتار زورگویانه نیروهای طالبان اعتراض کرد، اما از سوی نیروهای این گروه مورد ضرب‌وشتم قرار گرفت. مسوولان محلی طالبان در دایکندی تا کنون در این مورد چیزی نگفته‌اند.

طالبان در بامیان کمک‌های بشردوستانه را می‌فروشند

۸صبح، بامیان: منابع معتبر محلی در ولایت بامیان می‌گویند که مسوولان محلی طالبان از جمله ریاست استخبارات و برادر والی این گروه در این ولایت کمک‌های بشردوستانه را در بازار می‌فروشند.

منابع معتبر روز جمعه، ۱ ثور، به روزنامه ۸صبح می‌گویند که شماری از سازمان‌هایی که در بخش توزیع کمک‌های بشردوستانه فعالیت دارند، پیش از شروع برنامه‌های کمک‌رسانی خود سهمی معینی را برای شماری از مسوولان محلی طالبان و نزدیکان آن‌ها در نظر می‌گیرند. یک منبع محلی که می‌خواهد از او نام برده نشود، می‌گوید: «چند روز پیش با جمعی از دوستان در بازار بامیان با چشمان خود دیدیم که شخصی به نام حاجی خان محمد غازی، برادر ملا عبدالله سرحدی، والی، حدود ۶ کارت کمک‌های بشردوستانه را به یک دکان‌دار فروخت.»

افزوده است: «این اتفاق اولین بار نیست. پیش از این ریاست استخبارات نیز بارها کمک‌های بشردوستانه را فروخته است.»

به گفته منبع، کمک‌هایی که برادر والی طالبان در بامیان در بازار فروخته، شامل برنج، دال، لوبیا و روغن بوده که از یک نهاد خیریه چینی، عزیزی بانک و بانک اسلامی گرفته بود.

یک منبع دیگر نیز با تایید این رویداد می‌گوید که بخشی قابل توجهی از کمک‌های بشردوستانه در بامیان از سوی مسوولان محلی طالبان در این ولایت حیف‌ومیل و در بازار آزاد فروخته شده است.

بربنیاد گفته‌های منابع، بیشتر مردم و سازمان‌های کمک‌رسان از این کار طالبان آگاه‌اند، اما به دلیل ترس از این گروه ابراز نمی‌توانند.

مسوولان محلی طالبان در بامیان در این مورد چیزی نگفته‌اند.

گفتنی است که پیش از این نیز باشندگان بامیان از مداخله مسوولان محلی طالبان در روند توزیع کمک‌های بشردوستانه شاکی بوده و نگرانی داشتند که سهم اندکی از کمک‌های بشردوستانه در این ولایت به خانواده‌های فقیر و نیازمند توزیع شده است.

این در حالی است که با تسلط طالبان در افغانستان، بیش از نیمی از جمعیت کشور با فقر گسترده دست‌وپنجه نرم می‌کنند.



آتش‌سوزی در غزنی خسارات مالی برج‌گذاشت

۸صبح، غزنی: منابع محلی در ولایت غزنی از وقوع آتش‌سوزی در این شهر خبر می‌دهند.

منابع از این ولایت می‌گویند که صبح جمعه، ۱ ثور، در اثر آتش‌سوزی در پارکینگ یک بلاک رهائشی در ساحه بزازی این شهر، سه عراده موتر طعمه آتش شده است.

منابع افزوده‌اند که این آتش‌سوزی به علت دیر رسیدن اطفاییه، نزدیک به سه ساعت به درازا کشید و در نتیجه سه عراده موتر از بین رفت و به این بلاک رهائشی نیز خساره رسیده است. این در حالی است که در جریان ماه رمضان نیز یک عراده نفت‌کش در سرای تیل‌فروشی این شهر آتش گرفت که در نتیجه نزدیک به چهار میلیون افغانی خساره برج‌ماند.

دسترسی طالبان به کمک‌های بشری؟

سیگار: کودکان گرسنه و طالبان فریب‌شده‌اند

دسترسی طالبان به کمک‌های بشردوستانه یکی از نگرانی‌های اساسی در راستای تقویت طالبان خوانده شده است. بازرسی ویژه آمریکا در امور بازسازی افغانستان (سیگار) به‌تازگی از اثبات مداخله‌های طالبان در روند توزیع کمک‌های بشردوستانه، گزارش داده است. سیگار روز شنبه، ۲ فور، با نشر گزارشی گفته است که مداخله طالبان در روند توزیع کمک‌های بشردوستانه، توانایی سازمان‌های کمک‌کننده را محدود ساخته است.



متوقف شده بود. منابع در آن زمان به روزنامه ۸ صبح تایید کرده بودند که دلیل متوقف شدن فعالیت این نهادها، مداخله بیش از حد طالبان در امور آن‌ها بوده است. به‌تازگی صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) به دلیل مداخله طالبان، فعالیت‌هایش را در ولایت غور به حالت تعلیق درآورده است. منابع در این نهاد به روزنامه ۸ صبح گفته‌اند که طالبان کمک‌های توزیع‌شده این نهاد را از مردم پس گرفته‌اند. حیفاومیل، مداخله و دست‌برد در توزیع کمک‌های بشردوستانه از نگرانی اصلی کشورهای کمک‌کننده و شهروندان افغانستان در جریان دست‌کم دو سال گذشته بوده است.

پیش از این شماری از گروه‌های سیاسی از دسترسی طالبان به کمک‌های میلیون دلاری جامعه جهانی به‌ویژه ایالات متحده آمریکا به افغانستان، ابراز نگرانی کرده بودند. سازمان ملل اما گفته بود که کمک‌های نقدی در یک بانک خصوصی نگهداری می‌شود و طالبان به آن دسترسی ندارند.

دفتر هیات معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) در ماه جدی سال ۱۴۰۱ خورشیدی گفته است که از ماه حوت سال ۱۴۰۰ خورشیدی تا ماه جدی سال ۱۴۰۱ خورشیدی حدود ۱۸ میلیارد دلار پول نقد به هدف انجام فعالیت‌های این سازمان و دیگر نهادهای بین‌المللی به افغانستان انتقال داده شده است. این نهاد تاکید کرده است که پول نقدی که به افغانستان منتقل می‌شود، برای تداوم و انجام فعالیت‌های این نهاد بوده و در اختیار بانک مرکزی افغانستان زیر کنترل طالبان، قرار نمی‌گیرد.

انتقادات از چگونگی توزیع کمک‌های بشردوستانه به نیازمندان در افغانستان و دسترسی طالبان به این کمک‌ها در حالی بالا گرفته است که یوناما به‌تازگی هشدار داده است، در صورتی که طالبان ممنوعیت بر کار زنان در این نهاد را برطرف نسازند، سازمان ملل متحد با «دل‌شکسته‌گی» افغانستان را ترک خواهد کرد و مسوولیت آن بر دوش طالبان خواهد بود.

این در حالی است که دفتر هماهنگ‌کننده کمک‌های بشری در افغانستان (اوجا) روز پنج‌شنبه، ۱۷ حمل، با نشر گزارشی گفته است که افغانستان با بزرگ‌ترین و شدیدترین بحران بشردوستانه در جهان مواجه است. به گفته این نهاد، در حال حاضر ۲۸.۳ میلیون شهروند این کشور برای نجات زندگی‌شان شدیداً به کمک‌های بشری نیاز دارند. با این وصف، توقف فعالیت یوناما و یا بخش‌های دیگر سازمان ملل متحد می‌تواند بحران فقر و گرسنه‌گی را گسترش دهد.

اکنون این یک امر عادی است که ابتدا به طالبان و سپس به غیرنظامیان عادی خدمت شود. نیویارک تایمز، نشریه دیگر آمریکایی است که از دسترسی طالبان به کمک‌های بشردوستانه ایالات متحده، گزارش داده است. در گزارش این رسانه به نقل از بازرسی ویژه ایالات متحده آمریکا در امور بازسازی افغانستان آمده است: «ایالات متحده ممکن است از زمان خروج نیروهای آمریکایی میلیاردها دلار مالیات مالیه‌دهنده‌گان را به طالبان و گروه‌های تروریستی در افغانستان کمک کرده باشد، اما او [بازرسی ویژه] از میزان کامل آن اطلاعی ندارد.»

این در حالی است که پیش از این نشریه «مدرن دیپلماسی» روز شنبه، ۲۴ فور ۱۴۰۱ در گزارش جداگانه از سوءاستفاده طالبان از روند توزیع کمک‌های بشردوستانه پرده برداشته است. این نشریه گفته است که بخش بزرگی از این کمک‌ها به خانواده‌های جنگ‌جویان طالبان که در جنگ ۲۰ سال اخیر کشته شده‌اند، داده می‌شود.

در همین حال، یافته‌های روزنامه ۸ صبح نشان می‌دهد که طالبان در چگونگی توزیع کمک‌های بشردوستانه، فروش بسته‌های مواد خوراکی در بازار و مداخله آشکار در روند توزیع این کمک‌ها، دست دارند. در تازه‌ترین مورد، روزنامه ۸ صبح به اطلاعات موثقی دست یافته است که طالبان در بامیان کمک‌های بشردوستانه را به فروش رسانده‌اند. منابع آگاه روز جمعه، ۱ فور، به روزنامه ۸ صبح گفته‌اند که شماری از سازمان‌هایی که در بخش توزیع کمک‌های بشردوستانه فعالیت دارند، پیش از شروع برنامه‌های کمک‌رسانی، سهم معینی را برای شماری از مسوولان محلی طالبان و نزدیکان آنان در نظر می‌گیرند. در مورد دیگری گزارش شده است که شماری از افراد وابسته به طالبان، کمک‌های بشردوستانه را در برخی از نقاط این ولایت برای ساخت‌وساز مساجد استفاده کرده‌اند.

افزون بر این، روزنامه ۸ صبح سال گذشته گزارشی را منتشر کرده بود که نشان می‌داد طالبان در ولایت سمنگان در توزیع کمک‌های بشردوستانه مداخله کرده‌اند. براساس آن گزارش، طالبان کمک‌ها را به افراد وابسته به خود و خانواده‌های جنگ‌جویان‌شان توزیع کرده‌اند.

مداخله طالبان در روند توزیع کمک‌های بشردوستانه گاهی باعث متوقف شدن فعالیت‌های نهادهای سازمان ملل متحد در برخی از ولایت‌ها نیز شده است. سال گذشته فعالیت چندین موسسه به دلیل عدم پرداخت پول و تمکین به مطالبات طالبان، برای مدت زیادی

است. جان سایکو، سرمفتش ویژه ایالات متحده برای بازسازی افغانستان، روز چهارشنبه، ۳۰ حمل، به قانون‌گذاران آمریکایی از دسترسی طالبان به کمک‌های بشری هشدار داده و دولت بایدن را به ایجاد موانع در مورد تحقیقاتش متهم کرده است.

جان سایکو در کمیته نظارت مجلس نماینده‌گان آمریکا گفته است: «متأسفانه امروز که این‌جا نشستیم، نمی‌توانم به این کمیته یا مالیه‌دهنده‌گان آمریکایی اطمینان بدهم که ما در حال حاضر طالبان را تمویل نمی‌کنیم.» او تاکید کرده که به اطمینان گفته نمی‌تواند پول‌هایی را که آمریکا برای نیازمندان در افغانستان می‌فرستد، به دسترس طالبان قرار نگیرد.

بازرسی ویژه ایالات متحده آمریکا در این نشست به قانون‌گذاران آمریکایی گفته است: «گر هدف از کمک به مردم افغانستان باشد، ما باید نظارت موثر داشته باشیم تا اطمینان حاصل کنیم که پول‌ها به مردم می‌رسد، نه به شماری از افراد طالبان. می‌خواهم فقط این را بگویم که من طالبان گرسنه را در تلویزیون ندیده‌ام.» او همچنان اضافه کرده است که شمار زیادی از کودکان را از طریق تلویزیون دیده که از گرسنه‌گی رنج می‌برند، اما به گفته او، همه طالبان فریه و خرسند هستند. آقای سایکو در این نشست خطاب به نماینده‌گان کانگرس آمریکا گفته است: «تعجب می‌کنیم که این‌همه کمک‌ها به کجا می‌رود.»

سیگار در حالی از اثبات مداخله طالبان در روند توزیع کمک‌های بشردوستانه در افغانستان خبر داده است که پیش از این، شبکه خبری «سی‌بی‌اس‌نیوز» آمریکایی پس از صحبت با امدادگران در افغانستان گزارشی داده است که طالبان از نهادهای مددکاران باج می‌گیرند.

سی‌بی‌اس‌نیوز به‌تازگی گزارشی را زیر عنوان «مالیه‌دهنده‌گان آمریکایی به طالبان کمک می‌کنند؟ امدادگران می‌گویند که مجبورند ابتدا به طالبان خدمت کنند» به نشر رسانده است. در این گزارش آمده است که امدادگران در سازمان‌های غیرانتفاعی در افغانستان که از حمایت مالی دولت ایالات متحده برخوردار می‌شوند، می‌گویند که مجبور به پرداخت هزینه و ارایه خدمات به طالبان هستند. این رسانه آمریکایی به نقل از یکی از امدادگران کمیساری عالی پناهنده‌گان سازمان ملل گفته است: «ما باید به خانواده‌های فرماندهان پولیس طالبان، والیان و سایر افراد [طالبان] خدمت کنیم. زمانی یکی از والیان طالبان به یکی از آژانس‌های کمک‌رسانی که قرارداد فرعی داشتیم، گفت که ۱۵ درصد کمک‌ها باید به محافظان او و دیگر پرسونل طالبان برسد و

در بچیوچه تنش‌ها میان دفتر هیات معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان و گروه طالبان مبنی بر ادامه کار زنان در این سازمان، اداره بازرسی ویژه ایالات متحده آمریکا (سیگار) از اثبات مداخله طالبان



امین کاوه

در توزیع کمک‌های بشردوستانه در این کشور خبر داده است. پیش از این نیز رسانه‌های آمریکایی گزارش داده بودند که امدادگران در سازمان‌های غیرانتفاعی در افغانستان وادار به باج‌دهی به طالبان می‌شوند. روزنامه ۸ صبح نیز گزارشی را منتشر کرده است که طالبان در روند توزیع کمک‌های بشردوستانه در ولایت‌های کشور، مداخله می‌کنند. بازرسی ویژه ایالات متحده آمریکا با توجه به دست‌برد طالبان به کمک‌های بشردوستانه برای نیازمندان در افغانستان، گفته است که کودکان را گرسنه و طالبان را فریه می‌بیند. این بازرسی همچنان خاطر نشان ساخته است که اطمینان ندارد که مالیه شهروندان آمریکا به نیازمندان توزیع می‌شود یا به دسترس طالبان قرار می‌گیرد. یافته‌های روزنامه ۸ صبح نشان می‌دهد که مقداری از کمک‌های بشری افغانستان به افراد وابسته به طالبان توزیع شده و یا از سوی جنگ‌جویان این گروه در بازار به فروش رسیده است. نگرانی‌ها از دست‌برد طالبان به کمک‌های بشردوستانه در حالی اوج گرفته است که سازمان ملل متحد هشدار داده که در صورت عدم رفع ممنوعیت بر کار زنان در نهادهای زیرمجموعه این سازمان، افغانستان را در شرایط ناگواری ترک خواهد کرد.

دسترسی طالبان به کمک‌های بشردوستانه یکی از نگرانی‌های اساسی در راستای تقویت طالبان خوانده شده است. بازرسی ویژه آمریکا در امور بازسازی افغانستان (سیگار) به‌تازگی از اثبات مداخله‌های طالبان در روند توزیع کمک‌های بشردوستانه، گزارش داده است. سیگار روز شنبه، ۲ فور، با نشر گزارشی گفته است که مداخله طالبان در روند توزیع کمک‌های بشردوستانه، توانایی سازمان‌های کمک‌کننده را محدود ساخته است. این نهاد آمریکایی، این مداخله‌ها را دارای ابعاد مختلف توصیف کرده است. کنترل فعالیت نهادهای غیردولتی، منع اشتغال زنان در سازمان ملل متحد و موسسه‌های غیردولتی، زیر فشار قرار دادن سازمان‌ها و موسسه‌های غیردولتی برای امضای یادداشت تفاهم با مقام‌های این گروه و تهدید کارمندان نهادهای غیردولتی از سوی طالبان، مواردی‌اند که در گزارش بازرسی ویژه ایالات متحده آمریکا برای بازسازی افغانستان، نام برده شده

وحدت و اتحاد پساجبران (۱)

اکثر نظام‌های فدراسیونی قدیمی‌تر جهان به طرق صلح‌آمیز به میان آمده‌اند. کشور سوئیس در این راستا مقام استثنایی دارد. نظام فدراسیونی سوئیس پس از یک دوره کوتاه اختلاف و زدو خود میان کانتون‌های کنفدراسیون قبلی آن کشور، ظهور نمود. عده دیگری از فدراسیون‌ها دوره‌های خشونت را تجربه کرده‌اند.



ترجمه و تدوین: دکتر محمد اوود یار

رهیافت یا طرز برخورد معیاری و مشخصی که بتوان با استفاده از آن با احتمال تجزیه‌طلبی و انفصال سیاسی برخورد کرد، وجود ندارد. به استثنای چند مورد محدود، تعداد زیاد قوانین اساسی فدرالی جهان، تجزیه و انفصال فدراسیون را محال و ناممکن ساخته‌اند. طرح طرز العمل‌های دموکراتیک برای تقابل با این احتمال، امری بس پیچیده بوده و می‌تواند با موانع و اشکال عظیمی روبه‌رو شود.

هم به اجتماع منطقه‌ای (واحدهای مشموله مربوطه خود) متعلق می‌دانند. با گذشت زمان و تراکم تجربیات مثبت فدراسیونی، می‌توان از طریق تفاهات سیاسی، اخذ تصمیم مناسب، تعهدات قابل اجرا و توافقات مصلحت‌آمیز، سرمایه اخلاقی-سیاسی همه‌شمولی را ایجاد کرد که استمرار و دوام این نظام را تضمین کند. در صورتی که واحدهای مشموله، خود را اعضای مساوی فدراسیون بیندارند، دلیلی برای داعیه جدایی و تجزیه‌طلبی نخواهند داشت. معذالک، وجود اکثریت واضحی که خواستار تجزیه و جدایی باشد، معضله مهمی را برای ایجاد و دوام فدراسیون به وجود می‌آورد. یکی از مثال‌های شیوه تقابل با این احتمال را می‌توان در فدراسیون کانادا مشاهده کرد: حکم و فیصله ستره محکمه کانادا در مورد انفصال و تجزیه‌طلبی چنین است که اگر در یکی از ولایات آن کشور، اکثریت روشن و واضح مردم در مورد جدایی و انفصال از کانادا رای دهند، ولایت مزبور حق خواهد داشت تا از طریق مذاکره با حکومت مرکزی خواستار جدایی از فدراسیون شود. قانون اساسی کانادا نتیجه نهایی این پروسه و مذاکرات را پیش از پیش تثبیت نکرده و آن را به نتایج مذاکرات محول کرده است. بنابراین، مذاکرات در این باب، باید حق دو اکثریت (اکثریت ملی و اکثریت ولایتی) را باهم آشتی داده و بایستی در نهایت امر بر منطبق و ملحوظات سیاسی استوار شود. بدین علت، می‌توان مدعی شد که ستره محکمه کانادا، حق کامل جدایی را به رسمیت نشناخته، ولی در عین حال به رأی روشن اکثریت مردم ولایات، وزن اخلاقی قابل شده است. کشوری که امروز به نام مونتینیگرو یاد می‌شود، در سال ۲۰۰۶ میلادی از یوگوسلاوی سابق جدا شد. این انفصال از طریق دریافت ۵۵ درصد رای مثبت مردم مونتینیگرو در راستای جدایی امکان‌پذیر گردید.

شیوه‌های برخورد با تنوع زبانی در برخی از فدراسیون‌های جهان

نظام‌های فدراسیونی جهان امروز، در امر تقابل با تنوع و تعدد زبانی نفوس از تدابیر و راهکارهای مختلف استفاده به عمل می‌آورند. در هند ۴۰ زبان مختلف وجود دارد که هر یک دارای بالاتر از یک میلیون نفر متکلم است.

اختیار کرده‌اند. قانون اساسی اتیوپی (حبشه) از این نگاه کاملاً غیرعادی بوده و حق رسمی انفصال را به واحدهای مشموله آن کشور اعطا کرده است. معذالک، این حق تا امروز بحث‌برانگیز باقی مانده و در محک تجربه آزموده نشده است. قانون اساسی سودان برای سودان جنوبی این حق احتمالی را داده است که پس از سپری شدن ۱۰ سال دوره موقت (بعد از تاریخ امضای صلح) به ریفراندوم در زمینه انفصال از سودان اقدام کند. در طول این ۱۰ سال موقت، سودان شمالی و جنوبی مسوولیت حکومت‌داری را مشترکاً در چهارچوب ترتیبات فدرالی برعهده خواهند داشت. حقوق بین‌الملل حق انفصال را محض در حالات تخلف شدید از حقوق بشری نفوس و آزادی از استعمار به رسمیت می‌شناسد. جهان امروز عموماً درباره انفصال و تجزیه ممالک و ترسیم مجدد مرزهای بین‌المللی نظر خوش و مناسب ندارد؛ زیرا دعوی و اقدامات تجزیه‌طلبانه عموماً روابط بین‌المللی و ثبات منطقه‌ای را برهم زده و بسی اوقات منجر به دشمنی و خشونت و جنگ می‌شود. در قاره افریقا، جایی که مرزهای سیاسی کشورها قلمروهای گروه‌های اتنیکی متعددی را قطع کرده و قبیله‌ها را میان ممالک مختلف تقسیم می‌کنند، حق انفصال می‌تواند ساختار سیاسی-دولتی سراسر این قاره را برهم زده و هرج‌ومرج غیرقابل مدیریت برای جهان را به بار آورد. با وجود این، در سال‌های اخیر جهان شاهد انفصال و یا تجزیه عده‌ای از ممالک بوده است. این موارد نادر تجزیه و انفصال، اتحاد شوروی، یوگوسلاویا، چک‌وسلواکیا، جدایی پاکستان از هند، مالیزیا (جدایی سنگاپور از این کشور) و اتیوپی (جدایی اریتریا از اتیوپی) را در بر می‌گیرد.

حق جدایی و انفصال معما و مخمصه خطرناکی است که می‌تواند وحدت فدراسیون‌های دموکراتیک را با مخاطره مواجه سازد؛ زیرا این حق از یک سو با زیر سوال بردن همبستگی ملی، خود اسباب بروز تشنج در سطح ملی شود و از سوی دیگر، احتمال و خطر زورگویی و باج‌گیری منطقه‌ای را دامن می‌زند. با وجود این، باید گفت که نظام فدرالی نظامی نیست که به‌صورت طبیعی به انفصال و جدایی و تجزیه ملل بینجامد. نظام فدرالی بر این اصل بنا نهاده می‌شود که شهروندان این نظام خود را هم به اجتماع ملی و

ایجاد و حفظ اتحاد در ممالکی که دوران‌های طولانی بحران را طی کرده و در نتیجه سرمایه وحدت و اعتماد ملی آن‌ها صدمه دیده است، با اشکال ویژه برخورد می‌کند. در چنین اوضاعی، نظام فدراسیونی از سوی برخی طرف‌های ذی‌دخل به‌عنوان راه‌حل برای ایجاد وحدت و تامین ثبات و استقرار دوام‌دار مطرح می‌شود. اکثر نظام‌های فدراسیونی قدیمی‌تر جهان به طرق صلح‌آمیز به میان آمده‌اند. کشور سوئیس در این راستا مقام استثنایی دارد. نظام فدراسیونی سوئیس پس از یک دوره کوتاه اختلاف و زدو خود میان کانتون‌های کنفدراسیون قبلی آن کشور، ظهور نمود. عده دیگری از فدراسیون‌ها دوره‌های خشونت را تجربه کرده‌اند. در شمار این خشونت‌های فدراسیونی می‌توان از موارد ذیل یاد کرد: جنگ‌های داخلی/تجزیه‌طلبی آمریکا و نایجریا، انقلاب مکزیکو، زدو خودهای متعددی که در برازیل و ارجنتین اتفاق افتاد و شورش مردم باسک در اسپانیا. معمولاً به دنبال چنین واقعات خشونت‌آمیز، تفرقه و تنش در جوامع دوام یافته و برگشت سیاست به حالت عادی به گذشت زمان نیاز دارد. معذالک، در کلیه کشورهایی که در این‌جا از آن‌ها نام برده شد، مساله تجزیه‌طلبی با گذشت زمان یا کاملاً به خاموشی گراییده و یا تا حدود قابل ملاحظه‌ای از شدت خود کاسته است.

جهان در سال‌های اخیر شاهد مواردی بوده است که در آن‌ها طرح و ترتیبات فدرالی جزو برنامه صلح پس-جنگ را تشکیل داده‌اند. بوسنیا هرزگوینا، سودان، جمهوری دموکراتیک کنگو و عراق کشورهایی‌اند که یا نظام فدرالی را پذیرفته‌اند و یا به تطبیق آن در آینده متعهد شده‌اند. با وجود این، تطبیق فدرالیسم در این ممالک، امری مشکل به اثبات رسیده و نظام‌های فدرالی آن‌ها متزلزل به نظر می‌رسند. پس از پایان شورش مائویستی در کشور نپال (۲۰۰۶)، در حال حاضر فدرالیسم به‌حیث بدیل سیاسی برای این کشور مورد توجه قرار گرفته است. تشکیل نظام فدرالی در سریلانکا نیز راهی برای پایان جنگ در آن کشور پنداشته می‌شود. در حالی که تطبیق ترتیبات فدرالی در این ممالک منطقی و امکان‌پذیر به نظر می‌رسد، ایجاد سطح اعتماد سیاسی لازم بین گروه‌های داعی قدرت و نبود هم‌پذیری که برای عمل‌کرد منظم و دوام‌دار نهاد‌های سیاسی مورد نیاز است، مشکل و مانع عمده را در راه تبلور و تضمین ثبات فدرالیسم در این ممالک تشکیل می‌دهد. مزید بر این، قابل یادآوری است که چنین ممالکی، فاقد ظرفیت‌های دموکراتیک سیاسی و اداری‌ای‌اند که وجود آن‌ها در سطح ایالتی برای عمل‌کرد موفقانه نظام فدرالی ضروری پنداشته می‌شود. این کاستی و کمبود هرچند تطبیق نظام فدرالی را در کوتاه‌مدت با اشکال و کندی مواجه می‌سازد، در درازمدت قابل چاره‌سازی خواهد بود، مشروط بر این‌که دموکراسی به معنای حکم‌روایی اراده آزاد مردم مجال رشد و تکامل داشته باشد.

سوال انفصال و تجزیه‌طلبی

رهیافت یا طرز برخورد معیاری و مشخصی که بتوان با استفاده از آن با احتمال تجزیه‌طلبی و انفصال سیاسی برخورد کرد، وجود ندارد. به استثنای چند مورد محدود، تعداد زیاد قوانین اساسی فدرالی جهان، تجزیه و انفصال فدراسیون را محال و ناممکن ساخته‌اند. طرح طرز العمل‌های دموکراتیک برای تقابل با این احتمال، امری بس پیچیده بوده و می‌تواند با موانع و اشکال عظیمی روبه‌رو شود.

تعداد زیاد قوانین اساسی فدرالی جهان شامل موادی‌اند که وحدت سیاسی کشور را دایمی دانسته و راه انفصال سیاسی را در برابر واحدهای فدرالی کاملاً مسدود کرده‌اند. ایالات متحده، مکزیکو، برازیل، نایجریا، هند و اسپانیا مثال‌های این ممالک‌اند (اسپانیا علاوه بر آن، راه انداختن رفتارند را به منظور نظرخواهی درباره انفصال، برای اجتماعات خودمختار آن کشور غیرقانونی ساخته است). قوانین اساسی عده‌ای از ممالک، نظیر اتریش، آلمان و سوئیس در مورد احتمال یا عمل انفصال سکوت

زبان هندی که زبان مادری ۱۸ درصد نفوس بوده و ۴۰ درصد مردم هند با آن تکلم می‌کنند، زبان رسمی این کشور را تشکیل می‌دهد؛ ولی انگلیسی نیز برای مقاصد مختلف به‌حیث زبان رسمی شناخته شده است. ایالات هند صلاحیت دارند تا از میان ۲۲ زبان پذیرفته شده در قانون اساسی آن کشور، زبان مطلوب خود را انتخاب کرده و خدمات حکومتی خود را به زبان رسمی و یا به سایر زبان‌های موجود در ایالت عرضه کنند. نایجریا دارای سه زبان بومی عمده است که به‌حیث زبان‌های رسمی آن کشور شناخته شده‌اند، ولی این کشور، در عین حال دارای ۴۵۰ زبان بومی دیگر است. زبان انگلیسی در نایجریا زبان اصلی دولتی و تعلیم و تربیه را تشکیل می‌دهد، ولی زبان‌های محلی نیز می‌توانند در این ساحت مورد استفاده قرار می‌گیرند. بعضی از حقوق شهروندان نایجریا، مثلاً حق حضور و دعوا در محاکم، بر اصل تفهیم و تفاهم زبانی اشخاص استوار است، نه بر اصل رجحان یک زبان خاص. اتیوپی دارای دو زبان بومی عمده، ۱۱ زبان اقلیت و تعداد زیاد زبان‌های قومی است. در این کشور، زبان رسمی مشخص وجود ندارد؛ همه زبان‌های موجود، در کل، از شناسایی رسمی مساوی برخوردار بوده و استفاده از زبان انگلیسی نیز در امور دولتی و تعلیم و تربیه مجاز و رایج است. فدراسیون اتیوپی زبان امارتیک (Amarthic) را زبان کاری حکومت فدرالی و بعضی ایالات آن کشور پذیرفته است. در این کشور هر ایالت صلاحیت دارد زبان (یا زبان‌های) کاری خود را انتخاب کند. افریقای جنوبی دارای دو زبان اروپایی و نه زبان مهم بومی است. گوینده‌گان هر یک از این زبان‌ها ربع یا کمتر از ربع نفوس آن کشور را تشکیل می‌دهند. انگلیسی در افریقای جنوبی زبان حاکم است. با وجود این، در امور اداری محلی و در بعضی از ساحت تعلیمی، استفاده از زبان‌های محلی تشویق می‌شود. در مالیزیا زبان مالی زبان مادری ۶۲ درصد نفوس را تشکیل داده و به‌حیث زبان رسمی آن کشور پذیرفته شده است. با وجود این، زبان انگلیسی در مالیزیا زبان حاکم در امور حکومتی و قضایی بوده و اقلیت‌های آن کشور از حقوق زبانی بسیار ناچیز و محدود برخوردارند. سوئیس دارای سه زبان رسمی و یک زبان ملی در سطح فدرال است. ۱۹ کانتون سوئیس یک‌زبانه، سه کانتون آن دوزبانه و یک کانتون آن سه‌زبانه است. در کانتون‌های یک‌زبانه، همه خدمات و تعلیمات عامه (حکومتی) منحصرأ به زبان محلی تدویر می‌شود. بلجیم نیز حقوق زبانی منطقه‌ای را مورد تأکید قرار داده و کلیه خدمات عامه در آن کشور به زبان‌های مربوطه محلی ارایه و تدویر می‌شود. بروکسل، پایتخت بلجیم، به‌حیث منطقه دوزبانه (فرانسوی و هلندی) به رسمیت شناخته شده است. تعداد کثیر مردم این شهر به زبان انگلیسی نیز تکلم می‌کنند. کانادا در سطح فدرال، همراه ولایت برنوسویک آن، رسماً دوزبانه شناخته شده است. سایر ولایات کانادا حقوق زبانی مختلفی را برای ساکنان خود قایل شده‌اند. در جاهایی که میزان نفوس ایجاب کند، خدمات فدرالی به زبان مطلوب نفوس محلی تدویر می‌شوند. قوانین کانادا و اتحادیه اروپایی، شروط برچسب معلوماتی کالا‌های تجارتي را مشخصاً صراحتاً بخشیده‌اند. براساس این قوانین، اطلاعات درباره چنین کالاها باید به زبان‌های رایج در ایالات یا کشورهای مربوطه ارایه شوند تا ساکنان ولایات و کشورهای که این کالاها در آن‌ها عرضه می‌شوند، به چنین معلومات به زبان‌های محلی خود دسترسی داشته باشند. در اسپانیا، زبان اسپانوی (اسپانوی کاستیلی) زبان ویژه ملی است که «همه افراد در اسپانیا هفت زبان دیگر نیز وجود دارند که به نام زبان‌های ملیتی یاد می‌شوند. بزرگ‌ترین این زبان‌ها زبان کاتالان، زبان اولیه ۶۰ درصد نفوس ملیت کاتالان است. زبان‌های کاتالان، والینسی، باسک و گالیسی تنها زبان‌های ملیتی‌اند که می‌توانند با زبان هسپانوی در مناطق خودمختار مربوطه خود، با حقوق و وظایف متفاوت، به‌حیث زبان رسمی مورد استفاده قرار گیرند.



**هرچند دل محمد نمی‌خواهد
همه‌روزه در صنف حاضر باشد، اما
ترس از محروم شدن و تکرار یک
سمستر در اوضاع کنونی او را مجبور
می‌سازد که به دانشگاه برود و به
قوانین دست‌وپاگیری که از سوی
طالبان بالای دانشجویان وضع شده
است، تن بدهد.**

مرگ یک رویا؛

حال و روز دانشجویی که به آینده ناامید شده است

به‌نیا

خفقان آور دانشگاه بالای محمد و همه دانشجویان اعم از دختر و پسر که اکثریت آنان همانند او برای اخذ مدرک تحصیلی روزهای سخت را تحمل کرده‌اند، می‌گذرد و محمد اکنون به روزهای پایانی این دوره رسیده است. اما او به استقبال این روزهای وداع با دانشگاه، سردرگم و ناامید از آینده سر صنف درسی حاضر می‌شود. حضوری دانشجویان طبق روال عادی همه‌روزه دقیق راس ساعت ۸:۰۰ صبح گرفته می‌شود و هر کسی که بعد از آن حضور یابد، غیرحاضر شمرده می‌شود. محمد با این‌که دلش نمی‌خواهد، از ترس محروم شدن و تکرار درس‌های سمستر در اوضاع کنونی مجبور است به قوانین دیکتاتورمآبانه‌ای تن بدهد که از سوی طالبان بالای دانشجویان وضع شده است. محمد می‌گوید: «زمانی که از دروازه دانشگاه وارد می‌شویم، مثل این‌که داخل یک مکتب شده‌ایم و باید طبق قوانینی که برای دانش‌آموزان در مکتب است، عمل کنیم.»

این دانشجوی دانشگاه کابل در شرایط کنونی خودش را نسبت به کسانی که باید چندین سال دیگر را نیز در این نهاد بدون استاد کافی و مسلکی و از طرفی با پایین رفتن کیفیت تدریس سپری خواهند کرد، خوش‌بخت می‌داند. با این هم، نگرانی از آینده پس از فراغت، این روزها او را سخت مایوس و ناامید ساخته است. گاهی به یاد چند سال قبل می‌خواهد طرح ایجاد یک کار را بریزد، اما اکنون بزرگ‌ترین مانع پدیده‌ای به نام طالب سر راهش قرار دارد و او باید برای ایجاد هر کاری با این گروه تعامل کند؛ کاری که او هرگز حاضر به انجام آن نیست. گاهی فکر این‌که پس از فراغت وعده‌هایی که به اعضای خانواده‌اش داده بود و آن‌ها برای تحقق آن وعده‌ها او را از یک ولایت دورافتاده با تحمل چالش‌های فراوان اقتصادی به دانشگاه کابل فرستاده‌اند تا آینده بهتر برای خود، خانواده و جامعه بسازد، بیشتر از پیش او را می‌رنجانند. محمد مطمئن است که پس از فراغت بی‌سرنوشتی و بیکاری انتظار او را می‌کشد. روی همین دلیل او به دنبال حل معماهای این بی‌سرنوشتی است که دست‌کم تغییری در زنده‌گی خود بیابد. پس از جست‌وجوی زیاد در این مورد، اکنون می‌خواهد پس از فراغت راه مهاجرت را در پیش گیرد و یا اگر زمینه برایش مهیا شود، وارد مرحله ماستری در یکی از کشورهای دیگر شود تا از این طریق از کشوری که حاکمان آن همواره در حق جوانان این سرزمین جفا می‌کنند، فرار کند.

تخریب آن حضور می‌یابد و سایه سهمناکی را بر زنده‌گی او و صدها هزار جوان دیگر می‌اندازد. آینده پس از فراغت از دانشگاه و انگیزه درسی که برای آن سال‌های زنده‌گی خود را مایه گذاشته بود، با تغییر رژیم و روی کار آمدن گروهی که مخالف طرز تفکر و نگاه او به اجتماع است، درهم می‌شکند و با گذشت هر روز از حاکمیت طالبان و پامالی خواسته‌ها و آرزوهایش، دیگر کاملاً دست از ساختن آینده بهتری که در آن خانواده و مهم‌تر نقش خودش برجسته بود، می‌شویید.

پس از آن، درس و دانشگاه برایش تبدیل به کابوس بد زنده‌گی می‌شود و صنف‌های دانشگاه نیز تبدیل به مکانی هم‌تراز با ایدئولوژی طالبانی می‌گردد. اکنون اکثر دانشجویان و استادان مجبور به هم‌فکری با طالبان شده و هیچ کسی جرئت نقد و نظر آزادانه در مورد مسایل مختلف از جمله حاکمیت استبدادی این گروه را ندارد و به همین دلیل دانشجویان پسر یک‌یک اقدام به ترک تحصیل می‌کنند. محمد در این باره می‌گوید: «بعد از آن من دیگر نتوانستم چیزی که در دل و ذهنم است را در صنف و یا حتا در بین دوستانم بیان کنم.» این حالت و مجبوریت ادامه تحصیل در چنین فضایی به شدت روحیه محمد را تخریب کرده و او در جست‌وجوی فرار از مکانی است که به جبر باید به هم‌فکر بودن با مفکوره طالبانی تظاهر کند.

نزدیک به دو سال پس از آغاز حاکمیت طالبان و محیط

کامیاب شود. او همانند بسیاری از دانش‌آموزان دیگر پس از سپری کردن امتحان کانکور، بی‌صبرانه منتظر اعلام نتیجه نهایی بوده تا سرانجام روز اعلام نتیجه کانکور فرا می‌رسد. از هیجان آب در وجودش می‌خسکد و ثانیه‌های رسیدن به نامش را یکی‌یکی می‌شمارد تا این‌که نتایج‌اش اعلام می‌شود و رویای وارد شدن در دانشگاه کابل و مهم‌تر از همه موفقیت در رشته‌ای که می‌خواهد، محقق می‌شود.

پس از آن روزهای دانشجویی و مسوولیت سنگین‌تر از سال‌های قبل آغاز می‌شود و محمد با شوق و شور هر روز علامه تیک حضوری‌اش را خالی نمی‌گذارد و مسوولیت‌هایش را به‌خوبی انجام می‌دهد. این پسر جوان در فکر فارغ تحصیلی با نمره کدر، با انگیزه بیشتر به درس‌هایش ادامه می‌دهد و پس از امتحان هر سمستر نمرات خوبی اخذ می‌کند.

انگیزه و امید به آینده او را وامی‌دارد تا در کنار درس‌های دانشگاه، در برنامه‌های مختلف اجتماعی و آموزشی شرکت کند و برای کسب‌وکاری که برای آینده خود طرح‌ریزی کرده، با آماده‌گی کامل وارد میدان شود. بنابراین او هر روز را با انگیزه تغییر مثبت در زنده‌گی آغاز می‌کند و با کسب حداقل یک دستاورد، خاتمه می‌دهد. از قضا روزگار درست در وسط سال سوم دانشگاه که او اخیراً به آرزو و خواسته‌های خود سروسامان داده و طرح اسکلیت زنده‌گی آینده‌اش را چیده است، گروهی در پی

روزهای پایانی دوره تحصیلی محمد در دانشگاه کابل از راه رسیده است. او اما به استقبال این روزهای وداع با دانشگاه، سردرگم و ناامید از آینده در صنف درسی حاضر می‌شود. طبق قوانین سخت‌گیرانه‌ای که تازه ایجاد شده، حضوری دانشجویان طبق روال هر روز ساعت ۸:۰۰ صبح گرفته می‌شود. هرچند دل محمد نمی‌خواهد همه‌روزه در صنف حاضر باشد، اما ترس از محروم شدن و تکرار یک سمستر در اوضاع کنونی او را مجبور می‌سازد که به دانشگاه برود و به قوانین دست‌وپاگیری که از سوی طالبان بالای دانشجویان وضع شده است، تن بدهد.

محمد (نام مستعار) دانشجوی دانشگاه کابل است که پس از آزمون رقابتی کانکور به این دانشگاه راه یافته است. او به امید آینده بهتر از یکی از ولایت‌های دوردست کشور برای ادامه تحصیل به پایتخت آمده تا در رشته دلخواهش تحصیل کند و از این طریق آرزوی پدر و مادرش را برآورده سازد و همچنان در آینده برای مردم و کشورش خدمت کند. اکنون که او در آستانه فراغت از دانشگاه قرار دارد، خود را در میان جامعه‌ای که ایدئولوژی حاکمان آن علیه او قرار دارد، خدمت به وطن را فراموش کرده و به دنبال فرار از درس و رویاهایش است.

محمد پنج سال پیش زحمات زیادی را متحمل شده و درس خوانده تا نتوانسته به دانشگاه کابل راه یابد. او در سال‌های دانش‌آموزی و آماده‌گی کانکور شب از روز نشناخته و سخت تلاش کرده تا به رشته دلخواهش

نگاه به شهر دلبرجین؛ ویرانه‌ای از یک شکوه باستان

۸ صبح، بلخ

ما نزدیک به ۱۰۰ مکان غارت‌شده را تنها در ولایت بلخ و چند مورد را در کندز ثبت کرده‌ایم.»

در حالی که باستان‌شناسان به این باورند که ممکن غارت‌گران گنجینه‌هایی از کتیبه‌ها، دست‌نوشته‌ها، جواهرات طلا و یا سایر آثار باستانی مربوط به قرن‌های سوم و چهارم قبل از میلاد را پیدا کرده باشند، اما صالح محمد خلیق به این باور است که در این شهر کهن قبل از زمان حکومت محمدظاهرشاه و حکومت محمدداوود خان از سوی مسوولان وقت حفاری صورت گرفته و هیچ اثری برای غارت در آن وجود نداشته است.

آقای خلیق که در حال حاضر در شهر مزارشریف و در زیر حاکمیت طالبان زنده‌گی می‌کند، نشر گزارش روزنامه فرانسوی را بزرگ‌نمایی گروه داعش توصیف می‌کند. از سویی هم، رییس اطلاعات و فرهنگ طالبان در بلخ گزارش این روزنامه را دور از حقیقت می‌داند و می‌گوید که گروه داعش به چنین مکان‌هایی در بلخ دسترسی ندارد.

شهروندان کشور اما طالبان را در حفاظت از مکان‌های باستانی کشور به کوتاهی متهم می‌کنند و می‌گویند که این گروه اراده‌ای برای حفظ و نگاه‌داشت آبداه‌های تاریخی ندارد. به گفته آنان، وضعیت پیکره‌های بودا در بامیان، بی‌اعتنایی به قلعه تاریخی غزنی و قاچاق آبداه‌های تاریخی در دوره حاکمیت قبلی این گروه بر افغانستان نشان می‌دهد که طالبان نه‌تنها در حفظ آبداه‌های تاریخی کوتاهی می‌کنند، بلکه در پی تخریب آن نیز هستند. افراد طالبان در دوره قبلی حاکمیت بر کشور، پیکره‌های صلصال و شهمامه در بامیان را منفجر کردند. این دو پیکر از بزرگ‌ترین آبداه‌های تاریخی کشور به شمار می‌رفت.



روزنامه فرانسوی «لوموند» با نشر گزارشی گفته است که گروه داعش ساحه باستانی دلبرجین در شمال افغانستان را بین سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۱ میلادی به‌صورت وسیع تخریب کرده است. این روزنامه فرانسوی به تاریخ ۱۹ حمل سال روان خورشیدی در گزارشی آورده است که گروه داعش با استفاده از روش‌هایی که در گذشته در عراق و سوریه استفاده کرده بود، به مرکز بزرگ‌ترین شهر باستانی در شمال افغانستان آسیب‌های جبران‌ناپذیری وارد کرده است.

روزنامه لوموند می‌نویسد که روند حفاری باعث شده که دماغه ارگ قدیمی در ساحه دلبرجین که به ارتفاع ۱۰ متر بوده است، کاملاً ناپدید شود. طبق این گزارش، براساس تحقیقات مرکز باستان‌شناسی فرانسه برای افغانستان (دافا) و موسسه دیجیتال‌سازی میراث‌های تاریخی (اکونم) هزاران متر مکعب ساحه با استفاده از بیل مکانیکی در این منطقه حفاری شده است. در این گزارش به نقل از دافا آمده است: «دلبرجین هدف غارت بسیار بزرگ‌تر است.

تا ششم میلادی نمایان شد. به گفته او، در کنار کشف چندین نیایشگاه و سنگ‌نوشته به خط یونانی، تندیس‌های تاج‌داری نیز از ساحه باستانی تپه دلبرجین به دست آمد که دارای تاج‌های دراز و نوک‌تیز و آراسته با سنگ‌های گران‌بها بود. طبق بررسی باستان‌شناسان، آن تاج‌ها را شاهان پارتی آریانا بر سر می‌گذاشتند.

آقای خلیق بیشتر توضیح می‌دهد که در جریان کاوش‌ها در این تپه ابزارهای فلزی مانند آینه‌های مفرغی و زیورهای زنانه و مردانه مانند دست‌بند، کمربند، بازوبند، انگشتر، گوشواره، تیر و کمان، خنجر و ظرف‌های گلی به دست آمده و همه این آثار از سوی مسوولان حکومت‌های قبل (حکومت محمدظاهر شاه و محمدداوود خان) به موزیم ملی در کابل منتقل شده است.

شهر باستانی دلبرجین به‌عنوان یک شهر کهن و آبد تاریخ در افغانستان شناخته شده است. این روزها اما گزارش‌هایی به نشر رسیده که گروه داعش بخش‌های عمده این آبد تاریخی را به‌گونه کامل تخریب کرده است.

ساحه باستانی «دلبرجین تپه» در ۲۰ کیلومتری شمال‌شرق ولسوالی آقچه ولایت جوزجان و ۴۰ کیلومتری شمال‌غرب ولسوالی بلخ ولایت بلخ موقعیت دارد. این شهر، بازمانده یکی از شهرهای کهن آریانا در دوره یونانی باختری (بین سال‌های ۲۵۰ - ۱۲۸ قبل از میلاد) است که تا سده‌های پنج و شش میلادی در جریان حکم‌روایی یفتلیان و ساسانیان نیز محل سکونت و باشکوه بوده است. فرهنگیان در بلخ به این باورند که در تپه دلبرجین، کاخ شاهی در مرکز شهر و به‌گونه چهارضلع قرار داشته که بازمانده‌های آن در حدود ۱۵ هکتار زمین را در بر می‌گرفت. اطراف شهر و کاخ را دژهای دفاعی با استحکامات ویژه دوره کوشانی فرا گرفته بود. این دیوار در فاصله‌هایی معین برج‌ها و موازی با خود خندق‌هایی نیز داشته است. براساس گزارش‌ها، در سال ۱۳۴۹ خورشیدی یک‌سری کاوش‌ها در این منطقه صورت گرفت که در نتیجه آن چندین نیایشگاه بودایی کشف شد و همچنان از خانه‌های این شهر باستانی ابزارهای گوناگونی به دست آمد.

صالح محمد خلیق، رییس پیشین اطلاعات و فرهنگ ولایت بلخ، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید که در کنار کاوش‌های خودسرانه توسط مردم محل و قاچاق آثار به دست آمده از این ساحه باستانی، کاوش‌های باستان‌شناسانه نیز در تپه دلبرجین از سوی باستان‌شناسان افغانستان و شوروی سابق در سال ۱۳۴۹ خورشیدی صورت گرفته است. آقای خلیق می‌افزاید که این کاوش‌های مسلکی حدود نه سال را در بر گرفت و در جریان کاوش‌ها نشانه‌هایی از تمدن‌های سده‌های اول

پسامدهای خروج یوناما از افغانستان

تاثیر مثبت حضور یوناما در دوره طالبان، بارها مورد ایراد و تردید برخی از شخصیت‌ها و احزاب سیاسی قرار گرفته و این نهاد بین‌المللی به ناتوانی، ناکارآمدی و بیکاره‌گی در مواجهه با اقدامات ضد بشری طالبان متهم شده است. حتی گزارش یوناما در روز ۲۶ قوس ۱۴۰۱ که اقدامات طالبان در حمایت از حقوق بشر، زنان و زندانیان و بهبود امنیت را مورد ستایش قرار داده بود، از سوی چهره‌های مخالف به معنای جانب‌داری از طالبان و قباحت‌زدایی از عمل‌کرد آنان توصیف و تلقی شد.

نویسنده: محمد شریف عظیمی

تهدید دشوار

ممنوعیت کار زنان در دفاتر سازمان ملل از سوی طالبان، اکنون وارد پیامدها و پس‌لرزه‌های عملی‌تر شده و یوناما گزینه خروج از افغانستان را تحت بررسی گرفته است. آخیم اشتاینر، مدیر برنامه توسعه سازمان ملل متحد، در روز ۲۹ حمل سال روان تهدید کرده است که اگر طالبان تصمیم ممنوعیت کار زنان با این سازمان را لغو نکنند، یوناما تصمیم «دل‌خراش» خروج از افغانستان را اتخاذ کرده و در ماه می امسال، از افغانستان بیرون خواهد شد. آخرین بار در ۲۵ حوت سال گذشته بود که ماموریت هیات معاونت سازمان ملل در افغانستان (یوناما) تا ۱۷ مارچ ۲۰۲۴ تمدید شد، اما روند ایجاد محدودیت‌ها بر کارمندان زن این نهاد و انتقادهای بی‌عملی آن در قبال عمل‌کردهای حقوق بشری طالبان، این نهاد بین‌المللی را به اعلام این موضع دشوار وادار کرده است.

پیامدهای اقتصادی

تاثیر مثبت حضور یوناما در دوره طالبان، بارها مورد ایراد و تردید برخی از شخصیت‌ها و احزاب سیاسی قرار گرفته و این نهاد بین‌المللی به ناتوانی، ناکارآمدی و بیکاره‌گی در مواجهه با اقدامات ضد بشری طالبان متهم شده است. حتی گزارش یوناما در روز ۲۶ قوس ۱۴۰۱ که اقدامات طالبان در حمایت از حقوق بشر، زنان و زندانیان و بهبود امنیت را مورد ستایش قرار داده بود، از سوی چهره‌های مخالف به معنای جانب‌داری از طالبان و قباحت‌زدایی از عمل‌کرد آنان توصیف و تلقی شد. با این حال، ایستاده‌گی دیرهنگام یوناما بر اصول و ارزش‌های حقوق بشری اگر با خیره‌سری و لجاجت طالبان همراه شده و به عملیاتی شدن تهدید خروج منجر شود، پیامدهای زیان‌باری را به‌ویژه از منظر اقتصادی برای مردم افغانستان در پی خواهد آورد؛ چرا که با تسلط طالبان بر افغانستان، روند انتقال کمک‌های بین‌المللی به‌ویژه پول نقد، دچار اختلال شده بود، اما دوام فعالیت یوناما در میانه فاجعه فقر اقتصادی، از آغاز تسلط طالبان تا آخرین گزارش یوناما در ۱۳ جدی ۱۴۰۱، محملی برای ورود حدود ۱،۸ میلیارد دالر به افغانستان شده است (<https://www.trt.net.tr>). ورود این حجم از نقدینه‌گی به افغانستان، زمانی اهمیت مضاعف می‌یابد که مطابق گزارش‌ها مجموع درآمد افغانستان در نهم‌ماه نخست سال مالی ۲۰۲۲ به ۱۳۵،۹ میلیارد افغانی، معادل ۱،۵۴ میلیارد دالر امریکایی و حجم کل صادرات به ۱،۸ میلیارد دالر در ۲۰۲۲ رسیده بود. لذا عمل‌کرد مالی یوناما و برابری کمک‌های نقدی این نهاد با درآمد و صادرات یک‌ساله افغانستان، سبب حفظ ارزش پول ملی و ثبات اقتصادی در رژیم طالبان شده و بار بسیاری از هزینه‌ها همچون جلوگیری از قحطی مطلق و نیز فعالیت آموزگاران را از دوش حکومت برداشته است.

ضمن آن‌که نقش و مسوولیت این نهاد بین‌المللی در یک‌پارچه‌سازی تلاش‌های انکشافی و ظرفیت‌سازی و هماهنگی کمک‌های بشردوستانه بین‌المللی تعریف شده است، دفتر هماهنگ‌کننده امور بشردوستانه سازمان ملل متحد (اوپا) پیشتر اعلام کرده بود که نسبت افغان‌هایی که در فقر شدید به سر می‌برند، تنها در سه سال اخیر از ۴۷ به ۹۷ درصد افزایش یافته است. اکنون، عملی شدن تهدید خروج، وساطت امدادی و انکشافی این سازمان را متوقف کرده و قطع یا کاهش کمک‌های



ساخته و فقر و محرومیت آنان را تشدید خواهد کرد، به‌ویژه آن‌که عملی شدن این خروج، کار دیگر شاخه‌ها و نهادهای سازمان ملل در افغانستان را نیز تحت تاثیر قرار داده و اختلال در عمل‌کردها و اهداف هفده‌گانه این سازمان، افغانستان را در قعر فلاکت و ورشکستگی فرو خواهد برد.

خروج یوناما؛ مزیت یا مشقت؟

نفرت از حکومت و نارضایتی از عمل‌کرد طالبان، برخی از فعالان سیاسی و اجتماعی را بر آن داشته است تا خروج یوناما از افغانستان را به دلیل ناکارآمدی آن در دفاع از حقوق مردم و ناتوانی‌اش در چهار جنبه مدیریت بحران شامل پیش‌گیری و تقلیل، توان‌مندسازی، مقابله و بازسازی، بی‌اهمیت جلوه داده و چه بسا خروج این سازمان را در انتقاد از کارنامه سیاه حقوق بشری طالبان، به معنای وسعت یافتن فشارهای بین‌المللی بر طالبان تلقی کنند. اگر هم این دو توجیه برای خروج، مستدل و منطقی باشد، اما از آنجایی که احتمال تاثیر این اقدام بر اصلاح رفتار طالبان ضعیف بوده و تاریخچه تعامل جهان با این گروه نیز نشان داده است که محرومیت از شناسایی بین‌المللی تا کنون هیچ تغییری در عمل‌کرد طالبان ایجاد نکرده و آنان ممنوعیت‌های ایدئولوژیک خود را با فضای گشوده سیاسی معامله نمی‌کنند، لذا تمام زبان‌های خالص این خروج بدون هیچ نفعی، نصیب مردم شده و تنگنای اقتصادی و اجتماعی را بر آنان بیشتر خواهد کرد.

دغدغه رژیم طالبان چنان‌چه در پیام عیدی رهبر آن گروه نیز بازتاب یافته است، هنوز هم تحقق اهداف ایدئولوژیک نظیر «جهاد، تنفیذ شریعت، فتح عظیم، عمل قاطعانه با دشمنان دین و کشور» است و خروج یوناما چه بسا فرصت وسیع‌تر برای دست‌یابی به اهداف آسمانی آنان را فراهم خواهد کرد که مطلوبیت‌های زمینی هیچ جاذبه‌ای ندارد تا برای نجات معیشت مردم، از بی‌قانونی‌های سخت‌گیرانه خود در بدل گشایش‌های اقتصادی، دست بردارد.

در نتیجه، اهمیت اهداف غیرمعیشتی، عصبیت و

مالی، ناامنی غذایی، فقر فقر و گستره نیازمندان که اینک به مرز ۳۴ میلیون تن رسیده است را با تمام عواقب ناگوار آن در افغانستان بیشتر خواهد کرد. پیامدهای گسترش گرسنه‌گی، تنها به مرز وضع افغانستان نیز محدود نمانده و به لحاظ تاثیر مستقیم آن بر تشدید آواره‌گی، مهاجرت و بی‌خانمانی، دامن کشورهای همسایه را نیز خواهد گرفت.

پیامدهای سیاسی و اجتماعی

مسوولیت دیگر یوناما ناظر بر اصلاح نظام سیاسی افغانستان شامل توسعه حکومت‌داری خوب، ترویج حاکمیت قانون و رعایت حقوق بشر است؛ اما حضور هر چند تشریفاتی یک نهاد بین‌المللی در کنار مردم افغانستان که اکنون هیچ متولی حقوقی نداشته و در معرض انواع آزار و چالش حقوق بشری قرار دارند، غنیمتی کم‌اثر است که چونان منفذی برای تنفس مردم عمل کرده و مشکلات سیاسی، اقتصادی و حقوقی مردم را در سطح بین‌المللی بازتاب می‌دهد. مالدرد در کتاب سلاح اقتصادی، این حقیقت را مورد اشاره قرار می‌دهد که حکومت‌های خودکامه برای صیانت از محرومیت‌ها و تحریم‌ها، به انباشتن منابع اضافی روی آورده و جاه‌طلبی‌های خود را در این راه بیشتر از قبل گسترش می‌دهند (<https://tarjomaan.com>). اکنون، غیبت یوناما از افغانستان، ضمن پایان مسوولیت‌ها و کارویژه‌های سیاسی، حقوقی و اجتماعی آن، به معنای جا خالی دادن سازمان ملل در دفاع از مردم افغانستان بوده و زمینه‌ساز تهاجم و تراکم فشارها و معضلات اقتصادی و حقوقی از سوی حکومت خواهد شد، که در غیبت یک ناظر و مزاحم بین‌المللی، چه بسا حصارهای منع و محدودیت را بالاتر برده و دامنه فشار بر مردم را با افزایش هزینه خدمات و مالیات و سخت‌گیری‌های رفاهی گسترش خواهد داد. خروج یوناما به دلایل حقوق بشری و ممنوعیت تحصیل و اشتغال زنان، اگرچه پروسه به‌رسمیت‌شناسی بین‌المللی حکومت طالبان را با تاخیر و تعویق مواجه خواهد کرد، اما دگم‌اندیشی در سیاست‌ها و عدم انعطاف طالبان، بازهم فشارها را متوجه متن مردم

ایستاده‌گی بی‌انعطاف بر مواضع و ممنوعیت‌های ایدئولوژیک، نگاه برده‌پروری به مردم و عدم اولویت و اهمیت به حیات اقتصادی مردم، بخشی مسلط از طالبان را از هر نوع تعامل سازنده با کشورها و نهادهای بین‌المللی بازداشته است. انفجار اقتصادی یا سقوط آزاد که پیشتر آخیم اشتاینر از وضعیت اقتصادی افغانستان توصیف کرده بود، با گسترش ممنوعیت‌ها، محدودیت‌ها و فقدان چشم‌انداز روشن برای گشودن بن‌بست سیاسی در افغانستان، وارد فاز انفجار سیاسی شده و بیش از پیش، رویارویی مردم با رژیم طالبان را به مرحله هشدارآمیز خواهد رساند.

اکنون، جلوگیری از بحران‌های خودساخته طالبان، به اراده و انعطاف آنان در تعامل با جهان، اصلاح مشیت سیاسی و حقوقی، به‌ویژه رفع موانع و محدودیت‌های تحصیلی و کاری زنان، بسته‌گی دارد. راه‌حل کم‌کاری یا ناتوانی یوناما نیز به لحاظ تاثیر این نهاد در کاهش گستره فقر، تحکیم صلح و ثبات و توسعه مدنیت و قانون، نه ترک مردم در میانه گرفتاری‌ها و واگذار کردن صحنه به یک حاکمیت خودکامه، بلکه تقویت جایگاه و توسعه کارکردی این نهاد بین‌المللی است تا آینده افغانستان، بدون توسل به خشونت، از چاله‌های بحرانی به دور گردد.

یوناما و ماموریت‌های از یادرفته

توسعه کارکردی یوناما به لحاظ شأن بین‌المللی و مکلفیتی که از سوی شورای امنیت ملل متحد بر دوش آن نهاده شده است، صرفاً محصور به گسترش امدادهای مالی نبوده، بلکه مکلفیت‌های سیاسی و حقوق بشری نیز دارد. اکنون، حضور یوناما و هر نهاد امداد‌رسان بین‌المللی دیگر در شرایط بحرانی افغانستان به ضرورت اقتصادی که شرح شد، جهت تسکین رنج و فقر مردم نه‌تنها مفید، بلکه لازم و ضروری است؛ اما واضح است که مدیریت اقتصادی و معیشتی یک ملت چهل میلیونی و تامین نیازمندی‌های اقتصادی آن از طریق کمک‌های مالی بین‌المللی، نه ممکن و نه پایدار است. آن‌چه موجب تامین صلح و ثبات سیاسی و اجتماعی شده و به تبع آن، سبب جذب سرمایه‌گذاری، رونق اقتصادی و بی‌نیازی مردم از دریافت کمک‌های خارجی می‌شود، اصلاح ساختار سیاسی مطابق میل و اراده مردم و سوق دادن آنان به امیدواری و آینده‌نگری است. اگر یوناما و هر نهاد و سازمان بین‌المللی دیگر، با جدیت بیشتر به ماموریت‌های سیاسی و اجتماعی خود عمل کرده و رژیم انحساری، گروهی و خودکامه فعلی را به تشکیل ساختار قانونی و فراگیر و بافتار و رفتارهای قانونی، مدنی و دموکراتیک، مجاب و ملزم کند، قطعا چشم‌انداز امیدبخش و آینده روشن، پیش روی کشور آشکار شده و مسیر ملی به سمت حل ریشه‌ای معضلات، طی خواهد شد.

اما هر فعل یا ترک فعل از جانب نهادهای سازمان‌ها یا واحدهای سیاسی بین‌المللی که مشروعیت‌بخشی به یک سیستم استبدادی، انحصاری، غیردموکراتیک، گروهی و غیرقانونی را القا کند، به معنای عقب‌نشینی از ماموریت‌های بشری و نهادهای آن‌ها و کمک شرم‌آور به دوام خودکامه‌گی و استمرار فقر و نیازمندی خواهد بود. لذا انتظار عقلانی، انسانی و به حق مردم افغانستان از یوناما و سایر سازمان‌های بین‌المللی این است که در کنار عمل‌کرد ارزنده امدادی، به ماموریت‌های سیاسی و حقوق بشری خویش نیز عمل کرده و به جای مشروعیت‌بخشی به یک سیستم نامشروع، باید حاکمیت فعلی را به تامین شرایط مشروعیت و تمکین و تبعیت از حقوق ملت و عمل به الزامات و بایسته‌های قانونی، حقوقی، مدنی و دموکراتیک وادار سازند.



من یونایتد در دیدار نهایی جام اتحادیه فوتبال انگلستان به مصاف من سیتی خواهد رفت

تیم فوتبال منچستر یونایتد با شکست دادن تیم فوتبال برایتون در دیدار نیمه‌نهایی جام اتحادیه انگلستان، حریف من سیتی در دیدار نهایی شد. شاگردان اریک تن هاگ یک‌شنبه‌شب، ۲۳ اپریل، در ورزشگاه ومبلی به مصاف برایتون رفتند که این دیدار در ضربات پنالتی هفت بر شش به نفع من یونایتد پایان یافت.

بازیکنان دو تیم در ۱۲۰ دقیقه نتوانستند دروازه‌های یکدیگر را باز کنند و بازی به ضربات پنالتی کشانده شد. در ضربات پنالتی بازیکنان من یونایتد یک توپ بیشتر نسبت به بازیکنان برایتون وارد دروازه کردند و حریف من سیتی در بازی نهایی شدند.

من سیتی شب گذشته سه بر صفر شفیلد یونایتد را در نیمه‌نهایی این جام شکست داد و راهی بازی نهایی شد.

تیم فوتبال من یونایتد تا کنون ۱۲ بار قهرمان جام اتحادیه انگلستان شده و آخرین بار دو بر یک در سال ۲۰۱۶ در برابر کریستال پالاس پیروز شد و قهرمانی این جام را کسب کرد.

در مقابل تیم فوتبال من سیتی شش بار قهرمان شده است و آخرین بار آن برمی‌گردد به سال ۲۰۱۹ که شش بر صفر واتفورد را شکست داد و قهرمان شد.



آبی اناری‌ها یک بر صفر اتلتیکو مادرید را شکست دادند

شاگردان ژاوی هرناندز در چارچوب رقابت‌های لالیگای اسپانیا، با شکست دادن تیم فوتبال اتلتیکو مادرید به یک پیروزی داخل خانه دست یافتند.

این دیدار که یک‌شنبه‌شب، ۲۳ اپریل، در ورزشگاه نیوکمپ برگزار شده بود، با نتیجه یک بر صفر به نفع بارسلونا پایان یافت.

تک‌گول دقیقه ۴۴ فران تورس سبب شد تا این تیم پیروز شود و فاصله خود را با تیم دوم جدول، ریال مادرید، دوباره به ۱۱ امتیاز برساند.

پیش از این دیدار ریال مادرید در سانتیاگو برنابئو دو بر صفر سلتاویگو را شکست داده بود.

اتلتیکو مادرید با این شکست همچنان در جایگاه سوم جدول لیگ فوتبال اسپانیا باقی می‌ماند و تفاوت این تیم با کلهکشان‌ها پنج امتیاز است.



تروریستان دیروز، دوستان امروز

حمید راسخ

جامعه جهانی باید به یاد داشته باشد که دیری نخواهد پایید که شرایط سیاسی، اجتماعی و امنیتی افغانستان تحت رویکرد متحجرانه طالبانی، تاوان جبران‌ناپذیری را بر تمام کشورهای جهان و امنیت آن تحمیل خواهد کرد. با حاکمیت طالبان و نادیده گرفته شدن سیاست‌های بدوی و ضد بشری آنان، طی چند سال معدود تفکر و اندیشه‌های تندروانه و خشونت‌محور نه تنها افغانستان را به کانون داغ تبدیل خواهد کرد که آن را به مرکز پرورش و صدور تندروی و خشونت به بقیه کشورهای منطقه و جهان نیز تبدیل خواهد کرد.

با آن اجتناب ورزند. ما بر آن چه در جریان است، خوب آگاهییم.

جامعه جهانی باید به یاد داشته باشد که دیری نخواهد پایید که شرایط سیاسی، اجتماعی و امنیتی افغانستان تحت رویکرد متحجرانه طالبانی، تاوان جبران‌ناپذیری را بر تمام کشورهای جهان و امنیت آن تحمیل خواهد کرد. با حاکمیت طالبان و نادیده گرفته شدن سیاست‌های بدوی و ضد بشری آنان، طی چند سال معدود تفکر و اندیشه‌های تندروانه و خشونت‌محور نه تنها افغانستان را به کانون داغ تبدیل خواهد کرد که آن را به مرکز پرورش و صدور تندروی و خشونت به بقیه کشورهای منطقه و جهان نیز تبدیل خواهد کرد.

بنابراین، با لابی‌گری و زمینه‌سازی برای مشروعیت‌دهی به طالبان، به مردم افغانستان خیانت نکنید. به جای این‌گونه رفتارهای منفعت‌طلبانه و چشم بستن به تمام ارزش‌های انسانی و جهانی، حرکت‌های مدنی و به حق مردم افغانستان را علیه تحجر و تندروی به‌صورت جدی و صادقانه حمایت کنید. مبارزه مردم افغانستان نه فقط برای افغانستان، بلکه در راستای منافع و امنیت تمام کشورها و برای امنیت تمام جهان بوده و نیاز مبرم و اساسی انسان امروزی است.

به رغم این‌که مردم افغانستان با فاجعه انسانی بی‌سابقه‌ای با ابعاد مختلف از سوی طالبان مواجه‌اند و زنان کشور از کار، تحصیل و اجتماع به‌طور کامل به حاشیه رانده شده‌اند، سازمان ملل به پند و اندرزگویی و گاه محکوم کردن‌های ظاهری اکتفا کرده و این‌گونه زمینه استفاده ابزاری از بحران حقوق زنان را در عرصه داخلی و بین‌المللی رونق بخشیده‌اند.

از مشروعیت‌بخشی خزننده و پنهان، تحت هر عنوان و شرایطی به گروه طالبان پرهیز کنید. سازمان‌های بین‌المللی و افراد و اشخاصی که در چهارچوب این سازمان‌ها فعالیت دارند، باید از تبدیل شدن به سخنگویان طالبان و لابی‌گران این گروه، اجتناب ورزند. در قرن و زمانی که مردم به هوش مصنوعی و سفر به فضا و تکنولوژی می‌اندیشند، برای جامعه جهانی و سازمان ملل شرم‌آور است که زنان و مردان و شهروندان یک عضو آن توسط یک گروه کوچک حتا از حق تحصیل و کار محروم باشند، در حالی که در به میان آوردن این وضعیت خیلی از کشورهای عضو سازمان ملل مسوول‌اند. جهانیان، به‌خصوص سازمان ملل، امریکا و کشورهای اروپایی و کشورهای منطقه باید به بحران افغانستان با جدیت و مسوولانه بپردازند و از برخورد سلیقه‌ای

مذاکرات صلح خلیل‌زاد و رویکرد کشورهای جهان نسبت به طالبان، به جای آن‌که به بهبود اوضاع افغانستان کمک کند، منتج به قباحت‌زدایی و قدرت‌گیری طالبان شده و این گروه دهشت‌افکن و جنایت‌کار را به گروه حاکم در کشور تبدیل کرده است. حال، حاکمیت خودکامه طالبان، جنایت و اعمال ضد بشری خود علیه مردم افغانستان، به‌خصوص زنان را به اوج آن رسانیده و کشور را با یک بحران تمام‌عیار انسانی مواجه کرده است.

نادیده گرفتن وقایع و عمل‌کرد فوج طالبان در افغانستان و مسامحه کشورها و سازمان ملل با طالبان، به‌طور رقت‌انگیزی تحیر‌آور و نگران‌کننده است. در چنین شرایطی که طالبان با تندروی و زورگویی خواسته‌های بدوی و ضد بشری خود را یکی پس از دیگری بر مردم افغانستان تحمیل می‌کنند، مسوولیت سازمان ملل و کشورهای عضو آن است که به جای عکس‌العمل منفعت‌محور و چشم بستن بر اعمال ضد بشری طالبان، موضع مسوولانه اتخاذ کرده و مسوولانه عمل کنند. طالبان که خود باید برای کشتارهای بی‌رحمانه و جنایات جنگی بی‌شمارشان محاکمه می‌شدند، در جایگاه مدعی و بخشنده قرار گرفته و آن به اصطلاح «عفو عمومی» خود را نیز احترام نگذاشته و به کشتار نظامیان سابق و مخالفان خود ادامه می‌دهند.

طالبان به‌شکل سیستماتیک و حساب‌شده، حقوق انسانی و اساسی شهروندان کشور، به‌خصوص زنان و دختران را پایمال کرده و نادیده می‌گیرند. زنان و دختران را از اجتماع حذف کرده و به‌گونه بی‌شرمانه آنان را وسیله چانه‌زنی‌های سیاسی و قدرت‌طلبی خود قرار داده‌اند. به هر گونه کنش و واکنش مدنی با زور تفنگ و خشونت عریان پاسخ می‌دهند و در عرصه‌های بین‌المللی سعی دارند خود را موجه و محق جلوه دهند. آنان در قرن بیستم و یکم روزگاری را بر سر مردم و زنان افغانستان آورده‌اند که نمونه آن را در قرون وسطا هم نمی‌توان یافت. این در حالی است که سازمان ملل و کشورهای عضو آن، به کمک‌های خود به طالبان تحت عنوان کمک‌های بشری ادامه می‌دهند. فقط یک مورد این کمک‌ها واریز کردن هفته‌وار چهل میلیون دالر به حساب طالبان بدون هیچ‌گونه مکانیسم نظارتی و حساب‌دهی است.

با هر گام ضد انسانی که طالبان برای حذف زنان و پایمال کردن حقوق مردم افغانستان برمی‌دارند، سازمان ملل یک گام به عقب برداشته و با نادیده گرفتن عمق و ابعاد فاجعه، چانه‌زنی خیانت‌کارانه‌ای را با طالبان به‌شکل موردی و بدون حصول هیچ نتیجه‌ای صورت می‌دهد.

درگیری میان‌گروهی طالبان در تخار؛ یک فرمانده ارشد و دو طالب دیگر کشته شدند

گارتیزویون طالبان برای ولسوالی درقد، با دو عضو دیگر این گروه به نام‌های امین و عبدالولی کشته شده‌اند. این درگیری میان‌گروهی طالبان به دلیل اختلاف‌ها بر سر تقسیم قدرت محلی رخ داده است.



طوره‌خان باشنده اصلی روستای طاهری‌های درقد است که براساس ادعای باشنده‌گان محل در کشتن غیرنظامیان، نیروهای پیشین امنیتی و سقوط ولسوالی درقد نقش برجسته داشت. این در حالی است که در سال گذشته نیز در درگیری‌های میان‌گروهی طالبان در شهر تالقان، مرکز ولایت تخار، ۱۸ طالب کشته و زخمی شدند.

درگیری‌های میان‌گروهی طالبان یکی از موارد پریسامد است که همواره تلفات برجا می‌گذارد.

۸صبح، تخار: منابع محلی از ولایت تخار می‌گویند که در یک درگیری میان‌گروهی طالبان در این ولایت، یک فرمانده ارشد این گروه و دو عضو دیگر آن کشته شده‌اند. منابع می‌گویند که این درگیری ساعت ۸:۳۰ صبح روز جمعه، ۱ توره، در منطقه اکبرخان، در مرز میان ولسوالی درقد ولسوالی خواجه بهاولدین صورت گرفته است.

دراثر این درگیری خودی طوره‌خان، فرمانده

دبیر بخش ویدیو: نصیر کاوشگر
خبرنگار ارشد: امین کاوه

ویراستاران: محمدعلی نظری، مقیم مهران
صفحه آرایی: رضا مرادی

پذیرش مقالات: Info@8am.media
پذیرش اعلان: Shaparsepahr@gmail.com ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰

نشانی پستی: ۰۲۸-۰۲۵، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان
۸صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه ۸صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.



صاحب امتیاز: سنجر سهیل
مدیرمسوول: محمد محق
سردبیر: حسیب بهش
مسوول افغانستان: شاحسین رسولی
تحلیل‌گران: یونس نگاه، ابومسلم خراسانی و علی سجاد مولایی
دبیر گزارش‌ها: فهیم امین

Publisher: Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media

Editor-in-Chief: Mohammad Moheq
Mohammad.moheq@8am.media

Facebook.com/8am.media
Youtube.com/HashteSubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.media_official
www.8am.media

در ادامه نبردهای بی‌امان میان ارتش سودان و شبه‌نظامیان واکنش سریع، آمریکا کشته شدن یک شهروندش را در این درگیری‌ها تایید کرده است. خبرگزاری آناتولی ترکیه جمعه‌شب، ۲۱ اپریل، گزارش داده که جان کری، سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا، هرچند در مورد هویت این شهروند آمریکایی چیزی نگفته، اما با اعضای خانواده او ابراز همدردی کرده است. این شهروند آمریکایی در حالی در ناآرامی‌های سودان کشته شده است که اخیراً واشنگتن از استقرار نیروهایش به هدف تخلیه دیپلماتان و شهروندان آمریکایی در نزدیکی‌های سودان خبر داد. گفته می‌شود که آمریکا با وجود سپری شدن یک هفته از درگیری‌های خونین در سودان، قادر به تخلیه دیپلماتان و شهروندان از این کشور در حال جنگ نشده است.

چین از سفیر کوریای جنوبی در پکن شکایت کرد



پس از اظهارات اخیر رییس جمهور کوریای جنوبی در مورد اعمال زور در تنگه تایوان از سوی چین، وزارت خارجه این کشور از سفیر کوریای جنوبی در پکن، الجزیره، روز یکشنبه، ۲۳ اپریل، به نقل از بیانیه وزارت خارجه چین، گزارش داده است که سان ویدونگ، معاون

وزیر خارجه چین، به دلیل اظهارات اخیر رییس جمهور کوریای جنوبی در مورد تایوان، از سفیر این کشور در پکن شکایت کرده است. بر اساس بیانیه این وزارت، سان در گفت‌وگو با سفیر کوریای جنوبی، اظهارات یون سوک یول، رییس جمهور کوریای جنوبی را کاملاً غیرقابل قبول خوانده است. تنش سیاسی، میان پکن و سئول، پس از مصاحبه اخیر سوک یول، با خبرگزاری رویترز آغاز شد که در آن رییس جمهور کوریای جنوبی، افزایش تنش در اطراف تایوان را به دلیل تلاش برای تغییر وضع موجود با زور از سوی چین عنوان کرد. رهبر کوریای جنوبی، در این مصاحبه، همچنان مناقشه چین و تایوان را یک موضوع جهانی دانست. او به رویترز گفته بود: «مسئله تایوان صرفاً یک موضوع بین چین و تایوان نیست، بلکه مانند مسأله کوریای

کاخ سفید، جمهوری خواهان را به افشای اطلاعات بسیار گمراه‌کننده پسر بایدن متهم کرد



یان سامز، سخنگوی کاخ سفید، جمهوری خواهان کمیته قضایی مجلس نمایندگان و جیم جردن، نماینده ایالت اوهایو، را به انتشار «افشای اطلاعات بسیار گمراه‌کننده» در رابطه با نقش ادعایی آنتونی بلینکن وزیر امور خارجه این کشور در خصوص بی‌اعتبار کردن داستان لپ‌تاپ رابرت هانتز بایدن، فرزند دوم رییس‌جمهور ایالات متحده متهم کرد. بر بنیاد گزارش فاکس‌نیوز، سامز این اظهارات جمعه‌شب، ۱۹ مارچ، در صفحه تویترش نگاشته است.

سخنگوی کاخ سفید تاکید کرده که نامه جمهوری خواهان «بسیار گمراه‌کننده» است و به متن اضافی منتشر شده توسط کمیته قضایی مجلس نمایندگان اشاره کرد.

مایک ترنر، رییس کمیته اطلاعات مجلس نمایندگان آمریکا، در نامه‌ای که پنجشنبه، ۱۵ مارچ، به بلینکن فرستاده بود، شهادت مایکل مورل، معاون سابق رییس سازمان سیا را فاش کرد که در آن زمان بلینکن، مشاور ارشد کمپاین انتخاباتی جو بایدن، بود.

بیانیه عمومی امضا شده توسط مقامات اطلاعاتی فعلی و گذشته که ادعا می‌کند لپ‌تاپ هانتز بایدن بخشی از یک کمپاین اطلاعات نادرست روسیه است.

جمهوری خواهان نگاشته‌اند: «ما در حال بررسی آن بیانیه عمومی امضا شده توسط ۵۱ مقام سابق اطلاعاتی هستیم که به دروغ یک داستان نیویورک‌پست در مورد لپ‌تاپ هانتز بایدن را به عنوان اطلاعات نادرست روسی بی اعتبار کرد. ما به عنوان بخشی از نظارت خود متوجه شدیم که شما در هنگام خدمت به عنوان مشاور کمپاین انتخاباتی بایدن در آغاز این بیانیه نقش داشته‌اید و بنابراین از شما برای نظارت خود درخواست کمک می‌کنیم.»

جمهوری خواهان مجلس نمایندگان آمریکا با استناد به شهادت مایکل مورل، معاون رییس سابق سیا، مدعی شده‌اند که آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه، نقشی در بی اعتبار کردن داستان هانتز بایدن در نیویورک پست داشته است.

گفتنی است که چندی پس از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، نیویورک‌پست گزارش داده بود که به لپ‌تاپی متعلق به هانتز بایدن دست پیدا کرده است که حاوی فیلم پورنوگرافی و میزان میلیون‌های دالر، درآمد اوست.

شبه‌نظامیان مخالف دولت میانمار یک مقام ارشد کمیسیون انتخابات را ترور کردند

انجام شده است.



انجام شده است. گروه شبه‌نظامی مخالف ارتش میانمار، در صفحه فیس‌بوک مسوولیت حمله به سالی کیو تو را برعهده گرفته است. این نخستین مقام کمیسیون انتخابات است که از زمانی به قدرت رسیدن ارتش در ۱ فوروری ۲۰۲۱ کشته می‌شود. پیش از این نیز چریک‌های شهری قتل‌های هدفمند، آتش‌افروزی‌ها و بمب‌گذاری‌های کوچک را در بخش‌هایی از میانمار انجام داده‌اند. قربانیان این رویدادها، شامل مقام‌ها و اعضای ارتش و همچنان افرادی هستند که گمان می‌رفت کارمند

ارتش میانمار تایید کرده است که معاون کمیسیون انتخابات این کشور، در یک حمله شبه‌نظامیان مخالف دولت در پایتخت تجارتي میانمار کشته شده است. آسوشیتد پرس، به نقل از بیانیه ارتش میانمار گزارش داده است که سالی کیو تو، معاون کمیسیون انتخابات این کشور، روز شنبه، ۲۲ اپریل، از سوی گروه تحت نام «چریک شهر» در شهر یانگون در داخل موترش هدف گلوله قرار گرفته است. براساس بیانیه دفتر اطلاعات ارتش میانمار، این حمله توسط نیروی دفاع مردمی، شاخه مسلح حامی دموکراسی،

ارتش جاپان برای سرنگونی ماهواره جاسوسی کوریای شمالی آماده می‌شود



گفته می‌شود که قرار دادن ماهواره جاسوسی مورد هدف کوریای شمالی در مدار، به یک پرتابه دوربرد نیاز دارد که پیونگ‌یانگ از پرتاب آن منع شده است. جاپان پس از آن دستور آماده‌باش به ارتش خود را صادر کرده است که کیم‌جونگ اونگ، رهبر کوریای شمالی، هفته گذشته گفت که نخستین ماهواره جاسوسی این کشور در تاریخ برنامه‌ریزی شده آن ارسال خواهد شد. تاریخ دقیق پرتاب ماهواره مشخص نشده است. این در حالی است که اعضای جی ۷ در هفته گذشته در جاپان نسبت به هر گونه آزمایش تسلیحات هسته‌ای به کوریای شمالی هشدار دادند. هفت کشور صنعتی جهان به پیونگ‌یانگ گفتند که عدم رعایت خواسته‌های جی ۷ با پاسخ «قوی» مواجه خواهد شد.

به دنبال اعلام پرتاب نخستین ماهواره جاسوسی از سوی کوریای شمالی، جاپان به ارتش این کشور دستور داده تا آماده‌گی‌های لازم برای سرنگونی ماهواره یاد شده را در صورت پرتاب اتخاذ کند. آژانس خبری فرانسه به نقل از بیانیه وزارت دفاع جاپان گزارش داده که دستور یاد شده روز شنبه، ۲۲ اپریل، به ارتش جاپان داده شده است. بر بنیاد این گزارش، یاسوکازاوا هامادا وزیر دفاع جاپان، به سربرازانش گفته است که اقدامات لازم را برای کم کردن آسیب‌ها در صورت سقوط یک موشک بالستیک به کار گیرند. هامادا همچنان دستور آماده‌سازی و استقرار ناوشکن‌های مجهز به موشک‌های رهگیری SM-۲ و واحدهای نظامی در ایالت اوکیناوا را داده که می‌توانند موشک‌های Patriot PAC-۳ را اجرایی کنند.

ادامه درگیری‌ها در سودان؛

امریکا دست‌کم ۱۰۰ تن را از سفارتش در خرطوم خارج کرد

مقامات آمریکایی اعلام کرده‌اند که همه کارمندان دولت ایالات متحده از سفارت واشنگتن در سودان و همچنان شماری از کارمندان دیپلماتیک کشورهای دیگر از این کشور خارج شده‌اند. رویترز به نقل از جان باس، معاون وزیر امور خارجه آمریکا، روز یکشنبه، ۲۳ اپریل، گزارش داده است که درگیری‌ها، سودان را به لرزه درآورده است. به گفته او، آمریکا تا کنون کمتر از ۱۰۰ تن از کارمندان را از سفارت این کشور در سودان خارج کرده است. جان باس گفته است: «ما همه پرسنل و وابسته‌گان ایالات متحده را که در سفارت واشنگتن در سودان بودند، از این کشور خارج کردیم.»

به گفته او، تعداد قابل توجهی از کارکنان محلی آمریکا در خرطوم باقی مانده‌اند.

گفتنی است که نیروهای تحت فرماندهی دو رهبر سابق متحد شورای حاکم سودان، آخر هفته گذشته جنگ خشونت‌آمیز بر سر قدرت را آغاز کردند. واشنگتن بارها از طرفین خواست تا به مناسبت فرا رسیدن عید فطر آتش‌بس را تمدید کنند؛ اما هر یک از طرف‌های درگیر جنگ، به عدم رعایت آتش‌بس متهم شدند.

